

# ای ایران!

## ای فلات مغرور

(چکامه بازگشتگان)

با انگشتهای فلج مانده بر زه،  
به بانگهای فراسوی گوش سپردم،  
به افق‌هایی با جگر خونین  
و غریو وحشی خلقی ستهنده  
به شیخ شهری جن زده  
که بر بامهایش تدریوهای رنگین نشسته‌اند  
هر اسدگان از کابوس دم میزنند  
سینه‌های زخم‌دار راه را بر شیطان می‌بندد  
و این همه خط‌های مقرر  
با پیچ و خم ناشیانه عبث نیست.

رهروئی بازگشته از دالان پیچ‌پیچ زمان  
با نگاهش: دردناک و کاونده  
با توشه‌اش: از پیمان‌های پیشین  
رویش به اکنون و رویش به ابدیت  
روانش: سخن گو،  
روانش: خاموش  
سرآپا آغوشی بزرگ برای یاران  
و مفتون شعله‌ای که از سودای شب سرزد  
و در میان همه کوره راه‌ها که به دوزخ می‌پیوندند  
زهی آن تیر اژدها تا بنا که به مینوی خداوند می‌انجامد!

دزخ بر آنان که درمه سپیده جان سپردند!  
و بر ترانه‌های ناشنیده  
و درود بر آن تبار شگرف  
که از خیزاب خونین زمان برخاست!  
و بر فردای دیگر که شکفتن آغازید!  
و گریز شب که دیری درنگید!  
و آغاز همسرانی بزرگ فرشتگان  
و رقص منظومه‌ها در کهکشان روح  
و درخش گلبرگها در شبکه نور  
و پچپچه جوی و سنگ  
و عطرنان  
و یاقوت‌های خوشاب تاستان  
و شعله نارنج  
و شکوه نخل  
و گذار درناها از سپیدرود  
و زمین‌های زرد و داغ  
و بنفش لطیف برسبلان!

درو در صفت‌های بی‌پایان از فیضیه تا کاخ سفید!  
و بر فقیران کوبنده آسمان خراش  
درو در بر سرزمین آبایی و لبایل رنگارنگش!  
و گنبدها و چینه‌های گلین و باغهای گردآلود  
و تندر لوزانده‌اش در کوهسار زمانه  
و سروش و سرودش  
که به طاشوتها امان نمی‌بخشد.

آنکه که ریشه‌های واپسین یاس  
با سپیدی سرو با خستگی دل همراه بود  
آزدهانی که بر تخت طاووس  
آهنک چنبره ابدی داشت  
از گنم رانده شد،  
و اینک کسانی با حامه‌های سیاه به رنگ شب  
با لبان کبود از بغض  
شیشه‌های زهر در دست  
در پس ستونهای فرصت کمین ساخته‌اند  
تا این سافر جوشنده ارغوانی را  
بیالیند...

آیا سیلابی که صخره سیاه را بر کند  
این پدنامان بی‌نام را نخواهد روفت؟

در پگاهی که مه برگدوک می‌خزد  
و صدف‌ها در خلیج خفته‌اند  
و ستاره‌موز چون چکه سیماب بر زنگار کویر می‌تابد  
ای ایران!  
ای فلات مغرور!  
ای گهواره خونین قهرمانی!  
ای یاقی کهنسال تاریخ!  
همه طاغوت‌ها را از دار شکنجه دیرین خویش بیاویز!

## سپاه پاسداران انقلاب حمله به سفارت شوروی را صد درصد محکوم کرد

دیروز انسوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، در رابطه با حمله به سفارت شوروی، اطلاعیه‌ای صادر شد. که در آن از جمله گفته می‌شود،

بقیه در صفحه ۲

# سیمای بی‌آزرم امپریالیسم آمریکا

می‌توان در آئینه حوادث افغانستان بوضوح دید. دولت اتحاد شوروی بنا بر خوست دولت افغانستان طبق قرارداد دوستی و همکاری بین دو کشور، برای جلوگیری از توطئه امپریالیسم آمریکا و همکاران و دست‌نمادگانش علیه انقلاب افغانستان به کمک سیاسی، اقتصادی و نظامی به آن کشور برخاسته است. این امر به معنای دفاع از استقلال افغانستان و انقلاب مردم افغانستان است. اما امپریالیسم آمریکا در پیروی از

غارتگری و تجاوز در ذات امپریالیسم و پیش از همه تاریخ بسیاری از خلق‌های جهان در دوران پس از جنگ جهانی دوم، گواه زنده غارتگری و تاراج امپریالیسم آمریکا از ثروت این کشورها، تعدی به حقوق خلقها و تجاوز به استقلال و حاکمیت آنهاست. اما امپریالیسم آمریکا تنها متجاوز و غارتگر نیست، وقیح و بی‌شرم هم هست و این سیمای بی‌آزرم آبرو باخته را از هم اکنون

پیشنهاد حزب توده ایران  
برای حل برخی مسائل  
مبرم اقتصادی

صفحات ۵ و ۳

# مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۳۳  
چهارشنبه ۱۲ دیماه ۱۳۵۸ - شماره ۱۰۱۰

# نبرد با آمریکا شعار ماست امروز

مردم در مقابل  
لانه جاسوسی آمریکا  
فریاد زدند:

موضع اتحاد شوروی  
در شورای امنیت  
نقشه‌های آمریکا  
را برای «تنبیه»  
اقتصادی ایران  
نقش بر آب‌ساخت  
صفحه ۸



زحمتکشان ساده دشمن اصلی خود را می‌شناسند، لذا شعار میدهند: دست امپریالیسم آمریکا از انقلاب ایران کوتاه!

## ۱۵ سال پیکار افتخار آمیز در راه انقلاب فلسطین

در ۲۱ دسامبر سال ۱۹۶۵، پس از گردهمایی چند سازمان فلسطینی، به ابتکار یاسر عرفات، سازمان آزادیبخش فلسطین تشکیل گردید. یا تشکیل این سازمان، جنبش انقلابی خلق عرب فلسطین وارد مرحله جدید، یعنی مرحله مبارزات مسلحانه گردید. اکنون پانزده سال است که این مبارزات انقلابی قهرمانانه بخاطر آزادی سرزمینهای زاد و بومی و تشکیل دولت مستقل ملی، علیه امپریالیسم آمریکا و صهیولیسم فلسطین شناخته شد. در کنفرانسهای سران کشورهای عرب در الجزیره و ریاض در سال ۱۹۶۶ و کنفرانس کشورهای مسلمان (مارس ۱۹۷۴) این سازمان دارای خیرگزاری رسمی بنام وفا (خبرگزاری اطلاعاتی فلسطین) و هفته‌نامه‌های بنام همه کشورهای عربی و در بسیاری از کشورهای آسیا و اروپا دارای هیئت نمایندگی سیاسی است. این سازمان دارای خیرگزاری رسمی بنام وفا (خبرگزاری اطلاعاتی فلسطین) و هفته‌نامه‌های بنام فلسطین شناخته شد.

خط امام، خط ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب بزرگ مردم ایران است  
مردم ایران برای ریاست جمهوری به فردی رأی میدهند که عمیقاً وفادار به خط امام باشد





# پیشنهاد حزب توده ایران برای حل برخی مسائل مبرم اقتصادی

مالکیت دولتی بر ابزار و وسائل تولید، نوعی مالکیت همه خلقی و یا مالکیت اجتماعی بمعنای اجتماعی بودن نظارت بر آنهاست. منظور از خلقی کردن، جلب هر چه بیشتر زحماتشان به اداره امور کشور و موسسات دولتی است. بنظر ما، مدیریت معاصر دولتی باید در عین اتکاء به رهبری جمعی، موازین مسئولیت‌های فردی را نیز مراعات کند. در این مورد تشکیل شوراهای مشابه شکل سازمانی جلب زحماتشان در اداره امور واحدهای دولتی کسب اهمیت میکند. شوراهای در تنظیم برنامه اداره واحدهای صنعتی و غیره، که اجرائی آن به مدیر مسئول واگذار می‌گردد، نقش اساسی ایفا میکنند. و اما مدیریت موسسه‌های اجرایی وظایف خودمختگی به شوراهای داده و در مقابل آنها پاسخگو است. گسترش و تکمیل اشکال سازمانی عملکرد موسسات دولتی و تمعین نقش زحماتشان در اداره تولید، ضمان موفقیت بخش دولتی است.

## ۲- بخش تعاونی

اتحاد زحمتکشان بر پایه اصل تعاون و ایجاد بخش گسترده تعاونی، که عرصه‌های مختلف فعالیت اقتصادی را فراگیرد، شرط ضروری پیشرفت اجتماعی است. بخش تعاونی وظیفه دوگانه‌ای را انجام خواهد داد: اول- بخش تعاونی بعنوان سازمان اقتصادی، یگانه وسیله تجمع انبوه تولیدکنندگان کوچک، دارندگان ابزار تولید ابتدایی در موسسات تولیدی دسته‌جمعی است که اداره کم و بیش متمرکز تولید را فراهم می‌آورد. دوم- بخش تعاونی پشایبه سازمان اجتماعی، در گسترش تدریجی مالکیت خلقی بر ابزار و وسائل تولید، در گردمانی توده‌های میلیونی زحمتکشان بر پایه دموکراتیک و تشکیل آنها در چارچوب تعاونیها برای حل مضامین پیشرفت اجتماعی نقش بزرگی ایفا خواهد کرد.

بخش تعاونی علاوه بر تولید کشاورزی، دامداری و صنعتی، عرصه‌های توزیع و دیگر خدمات را نیز در بر می‌گیرد. یعنی آن عرصه‌هایی که بعلت پراکندگی تابع برنامه‌ریزی دولتی نیستند. بهمین سبب بخش تعاونی اهم موثر اجرای سیاست پیشرفت اجتماعی- اقتصادی بشمار می‌رود، زیرا این بخش امکان آنرا خواهد داد که دولت بتواند رشد برنامه‌های مجموعه شرکتی تعاونی شهر و روستا را تامین و واپس - مانده‌ترین نهدهای اقتصادی را از لحاظ مالی و فنی یاری دهد. مامتقدم که بخش تعاونی گسترده باید جزء جدائی‌ناپذیر نظام اقتصادی نوین شود و از لحاظ اهمیت، بعنوان پی‌ستون سادی پیشرفت اجتماعی - اقتصادی، مقام دوم را پس از بخش دولتی حائز گردد. بخش تعاونی نوین، برخلاف تعاونیهای گذشته، حربه برنده‌ای برای ایجاد تحول بنیادی در مناسبات تولید کشاورزی خواهد بود. تعاونیها بخودی خود مانع قطعی شدن در روستا، یعنی تمرکز ثروت در دست عده‌ای کم و فقر اکثریت نخواهد بود. بهمین سبب، اساسنامه تعاونیها باید دارای محتوی دموکراتیک باشد و منافعه روستائیان خردپا را در نظر گیرد و یازتاب خواستهای آنها باشد. بدین منظور تعاونیهای متشکل از روستائیان تهیه‌شدت باید در سالهای نخست از پرداخت مالیات بر درآمد معاف شوند، سود بازرگانی و انواع عوارض گمرکی ماشین‌آلات مورد نیاز کشاورزان متشکل در تعاونیها تقلیل یابد و بهره وام کشاورزی ملغی گردد. دولت باید در قیمت فروش بندرهای مرغوب، کود شیمیایی، سوخت و خدمات ارائه شده، تخفیف محسوس برای شرکتی تعاونی قائل شود.

توسع شرکتی تعاونی و چگونگی عملکرد و درجه استقلال آنها شرط ضروری نیل به اصول تعاون دموکراتیک است. شرکتی تعاونی، که تحت اداره مستقیم خود روستائیان و همکاری مشترک آنان بوجود می‌آیند، یا استفاده از کمکهای دولت، به آسانی معضل اراضی کوچک را حل می‌کنند و با کارگرفتن ماشینهای کشاورزی و شیوه‌های مدرن، کشت و زرع و برداشت و بهره‌گیری از روشهای علمی برای افزایش بازده دامداری، بحد مطلوب کارائی نائل می‌آیند.

تعاونیها در کلیه عرصه‌ها باید دارای برنامه‌های ویژه هماهنگ برنامه اقتصادی دولت باشند. باید کوشید که بخش تعاونی در حل مضامین اجتماعی- اقتصادی، سازمان نوین انبوه زحمتکشان شهر و روستا تبدیل گردد.

## ۳- بخش خصوصی و حدود فعالیت آن

سطح کنونی رشد اجتماعی- اقتصادی ایران استفاده کامل از کلیه وسائل، از آنجهل صنایع کوچک را، برای رشد نیروهای مولد ضرور می‌سازد. تردیدی نیست که ضرورت الفای مالکیت خصوصی بر وسائل تولید، که ما در فوق از آن یاد کردیم، با اصل مشارکت سرمایه خصوصی در رشد نیروهای مولد در تضاد است. بنظر ما برخورد این دو تضایل متضاد است که در آخرین تحلیل میباید تعیین کننده سیاست دولت انقلابی نسبت به بخش خصوصی باشد. این سیاست در عین گسترش اشکال دولتی و تعاونی مالکیت و تمرکز مواضع کلیدی اقتصاد ملی در دست دولت، همکاری با بخش خصوصی را نفی نمی‌کند. مسئله اساسی در این مورد خصلت همکاری است. دولت انقلابی میتواند و باید عملکرد بخش خصوصی را متوجه رشد نیروهای مولد بر اساس برنامه اقتصاد کرده، از بازگرفتن سرمایه‌های کوچک در فعالیت‌های غیر تولیدی جلوگیری کند. بخش خصوصی، در عین برخورداری از حمایت قانون، تابع محدودیتهایی نیز میشود که از آنجهل اند محدودیت رشته‌های سرمایه‌گذاری، تبعیت از برنامه اقتصادی و اجتماعی و کنترل دولتی، بخش خصوصی شامل آن عرصه‌هایی از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات میشود که بعلی هنوز نمیتوانند در چارچوب بخش تعاونی متشکل گردند. اصل چهل و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بدرستی بخش خصوصی را مکمل فعالیت‌های دولتی و تعاونی می‌شمارد.

## رشد اقتصادی

رشد اقتصادی مقوله‌ایست بفرنج و پیچیده، که ارتباط مستقیم بقیه در صفحه ۴

از قبیل تسریع آهنگ رشد نیروهای مولد، افزایش تمرین بخش تولید اجتماعی، اداره اقتصاد ملی بر اساس برنامه‌ریزی علمی، ایجاد مناسبات تولیدی نوین، مترقی و عادلانه، که در مجموع خود مورد نظر جمهوری اسلامی است، رابطه مستقیم با حل مسئله مناسبات مالکیت دارد.

سرفظن از بخش خصوصی، که درباره آن جداگانه سخن خواهد رفت، در نظام اقتصادی نوین، استقرار مالکیت اجتماعی، که یک روند درازمدت تاریخی است، از دو طریق باید اعمال گردد: دولتی و تعاونی. چنین گزینشی تصادفی نبوده و بطور عمدت ناشی از وجود دو نوع مالکیت در کشور است که عبارتند از مالکیت سرمایه‌داران بزرگ مبتنی بر بهره‌کشی از زحمتکشان و خرده مالکیت خصوصی بر ابزار تولید، به این دو نوع مالکیت نمیتوان برخورد همگون کرد. میتوان و باید مالکیت سرمایه‌داران بزرگ را به مالکیت دولتی تبدیل کرد، ولی سطح نازل نیروهای مولد و تولید اجتماعی، مسئله مالکیت تعاونی بر پایه شرکت داوطلبانه روستائیان و تولیدکنندگان کوچک شهری در تمام این تولید، توزیع و مصرف و دیگر رشته‌های خدماتی را ایجاد میکند.

استفاده بر این از مواهب مادی و معنوی، که یکی از اهداف عمده جمهوری اسلامی است، وقتی مقدور خواهد بود که مالکیت خلقی بر ابزار و وسائل تولید تامین گردد.

واضح است که در شرایط حاضر هیچ‌سوجه مسئله الفای کامل مالکیت خصوصی بر ابزار تولید مطرح نیست. جلب سرمایه‌های کوچک خصوصی برای رشد اجتماعی - اقتصادی، همگام با اتخاذ تدابیر جدی و قاطع در جهت تصدیه فعالیت بخش خصوصی و مجبور ساختن آن به تبعیت از برنامه‌های کوتاه و درازمدت دولت، یکی از عوامل تامین رشد اقتصادی و تحکیم انقلاب در مرحله کنونی بشمار می‌رود. تقویت هر چه بیشتر مالکیت دولتی و تعاونی به مثابه پی‌ستون اقتصاد واقعا ملی و مستقل، زمینه رشد سالم نیروهای مولد مبتنی بر تغییرات بنیادی در ساختار اقتصادی و مالا پایان دادن به سیطره امپریالیسم داوطلبانه و وابستگی نیش‌زنی از مادی ضروری برای بالابردن سطح زندگی روستائیان در مرحله کنونی نظام اقتصادی مصوب قانون اساسی بدانگونه که ما آنرا در دکیمیکم میتوانیم چارچوب مناسبی باشد برای عملی ساختن این وظایف در شرایط مشخص کشور ما.

برشمرده در فوق نائل آمد.

تا گفته پیداست که حیطه عملکرد بخش دولتی مورد بحث تنها شامل صنایع نمیتواند باشد. برای پیشبرد استراتژی اقتصادی، که در قانون اساسی جمهوری اسلامی به تصویب رسیده بخش دولتی میباید در عرصه‌های بازرگانی خارجی و داخلی و بطور کلی خدمات نیز نقش موثر و تعیین کننده بپذیرد. در این زمینه انحصار دولتی بازرگانی خارجی مقام ویژه‌ای دارد. بدون انحصار دولتی بازرگانی خارجی، برنامه‌ریزی اقتصادی برای رسیدن بخودکفائی نسبی در زمینه‌های صنعتی و کشاورزی (که رهبر انقلاب، امام خمینی، بارها تاکید کرده‌اند) امریست بسیار دشوار. علاوه بر این، بخش دولتی میباید در رشته توزیع، از طریق سیستم قیمت‌گذاری کالاهای صنعتی و کشاورزی، کنترل بازرگانی داخلی (شرکت در عمده خرید و عمده فروشی کالاهای مورد نیاز عمومی) و کاربرد سیستم مالیاتی، دخالت مستقیم داشته باشد. یکی دیگر از وظایف بخش دولتی کمک به رشد تولید کشاورزی است بوسیله ایجاد موسسات کشت و صنعت، نمونه‌های چندی از اینگونه موسسات هم اکنون وجود دارد. ولی در دوران رژیم مملو، در نتیجه خیانت زمامداران وقت، این موسسات بطور عمدت در خدمت سرمایه‌داران بزرگ داخلی و خارجی قرار داشت. دولت میتواند هم از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم در این موسسات و هم از راه تبدیل برخی از آنها به بخش مختلط خودگردان، با شرکت کارگران کشاورزی، نقش موثری در افزایش سریع تولید کشاورزی و ساخت و پرداخت محصولات کشاورزی آنها ایفا کند.

تمرکز بخش قابل ملاحظه‌ای از وسائل و ابزار تولید در بخش دولتی در عین تحکیم مواضع حکومت انقلابی، آنرا به نیروی هدایت کننده رشد معقول، حساب شده و مستمر اجتماعی - اقتصادی تبدیل خواهد کرد. روشن است که نقش هدایت کننده بخش دولتی هیچ‌سوجه به معنای سلبه مطلق آن نیست. در شرایط مشخص کنونی، بخش خصوصی میتواند و باید در چارچوب تعیینی دوش به دوش بخش دولتی تحت نظارت مستقیم آن، در رشته‌هایی که مرز آن طبق قانون تعیین میشود، فعالیت داشته باشد. ولی بهر حال گسترش شکل اجتماعی مالکیت در حال و آینده باید در مرکز توجه دولت انقلابی قرار گیرد.

هرگونه برخورد قشری به نقش بخش دولتی و مطلق کردن وظیفه آن بعنوان سرمایه‌گذار مطلق، بدون توجه به وضع اجتماعی- اقتصادی موجود و تکامل تاریخی مشخص در کشور ما، میتواند اثر نامطلوب در اقتصاد ملی از خود بجا گذارد. نریش در اتخاذ سیاست اجتماعی - اقتصادی ضامن پیروزی است. خلقید کامل از بخش خصوصی، که راه‌های از نیروها مطرح می‌سازند، در شرایط ویژه کنونی به صلاح انقلاب نیست. این امر مستلزم کارهای تدارکی ژرف در زمینه‌های سیاسی و سازمانی و اقتصادی است. عجله در این مورد موجبات اختلال جدی نیروهای مولد را فراهم می‌سازد و مانع تجزیه منابع داخلی و اصلاحات انقلابی در آینده میگردد.

ماهیت حاکمیت انقلابی نقش قاطع در خصلت و نقش بخش دولتی و خلقی کردن اداره آن دارد. بهمین علت، برخلاف ادعای پاره‌ای از صاحب نظران، مالکیت دولتی نمیتواند در عین محدودی تقسیم گردد.

آن، میتواند نقش تعیین کننده در کسب استقلال اقتصادی داشته باشد. پیاده کردن نظام اقتصادی نوین با مسئله مهم حاکمیت و مالکیت، که مضمون انقلابی را تشکیل میدهد، ارتباط مستقیم دارد. نظام اقتصادی نوین وقتی با موفقیت قرین خواهد بود که حاکمیت سیاسی در دست نیروهای مترقی انقلابی متمرکز گردد. فقط در چنین شرایطی دستگاه دولتی برای پیشگیری از رشد سرمایه‌داری و برای نوسازی جامعه بود توده‌های محروم بکار گرفته میشود.

هدف نظام اقتصادی نوین محدود به تامین رشد نیروهای مولد و افزایش تولید نیست، بلکه نوسازی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بود. هر دو نیز از وظایف اساسی آن بشمار می‌رود. فقط یک دولت واقعا انقلابی و مؤمن به انقلاب میتواند این اهداف را بر آورده سازد.

این مطلب روشن است که دولت خرده حفظ سیادت طبقه‌ای بر طبقه دیگر است. نکته اینجاست که این خرده در اختیار چه کسانی است، در اختیار اکثریت مظلوم و یا اقلیت ستگر. بین حاکمیت زحمتکشان بر سلبه اجتماعی- اقتصادی سرمایه‌داران بزرگ و ملاکان، شق سوم وجود ندارد. در شق نخست الفای حاکمیت و سلبه اجتماعی- اقتصادی سرمایه‌داران بزرگ و ملاکان و دیگر بهره‌کشان مطرح است، و در شق ثانی، استقرار سلبه آنها، تحکیم حاکمیت انقلابی زحمتکشان، با ایجاد و تقویت ساخت نوین اقتصادی ارتباط ناگسستی دارد. در ارتباط با نظام اقتصادی نوین، مسئله مهم مالکیت، که مشکل حیاتی در تعیین سرنوشت آنی کشور است مطرح میگردد. سرفظن از خواست گروه‌های اجتماعی، انقلابی و عرصه مردم ایران مسئله مالکیت اجتماعی بر وسائل تولید را به یکی از مسائل حاد مورد بحث جامعه تبدیل کرده است. اقتصاد مبتنی بر مالکیت سرمایه‌داران و ملاکان بزرگ بر ابزار و وسائل تولید انبوه انگیزه تبعیت میکند، و آنچه کوشش برای کسب حداکثر سود است، که این خود با پیشرفت اجتماعی، با تمایلات اسبیل انسانی و بالاخره با عقل سلیم مغایرت دارد. تضاد میان منافع خصوصی سرمایه‌داران و منافع قشری انبوه زحمتکشان، تضاد بین سلبه اقتصاد و فرهنگ پرورشی با منافع اقتصادی و فرهنگی زحمتکشان و بالاخره تضاد میان نوازمندیهای رشد صنعت انسانها و انگیزه‌ها و هدفهای شدت‌پزنی بورژوازی، زائیده مالکیت خصوصی بر ابزار و وسائل تولید است.

در شرایط کنونی کشور ما، حل مسائل حیاتی اقتصادی را عاقل معده پیشرفت اجتماعی و تامین استقلال اقتصادی جامعه وریشه کن کردن فقر و محرومیت و بر آوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی، اوراسر لوحه فصل اقتصاد و امور مالی قرار داده است. برای رسیدن به این هدف اصل چهل و چهارم قانون اساسی، نظام اقتصادی، جمهوری اسلامی ایران را بر پایه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی، با برنامه ریزی منظم و صحیح استوار می‌سازد.

قانون اساسی بدرستی تضمین استقلال اقتصادی را عاقل معده پیشرفت اجتماعی شمرده است. انقلاب پیروزمند مردم ایران، برهبری امام خمینی، با قطع نفوذ سیاست امپریالیسم از شئون کشوری، مرهله‌هایی از راهائی ملی را پشت سر گذاشته است. نخستین سوالی که در این زمینه مطرح میشود اینست که آیا بدست یابی به استقلال سیاسی، مبارزه در راه رهائی ملی پایان می‌یابد؟ آیا با پایان دادن به حاکمیت دست نشاندهگان امپریالیسم نو استعمار و اجزاء ستم‌طلب و تامین آزادی عمل در عرصه بین المللی، کشور از سلبه امپریالیسم نجات می‌یابد؟

چنین راهائی بخش ملی دو مرحله متوالی را طی میکند، مبارزه در راه استقلال سیاسی و مبارزه در راه دستیابی به استقلال اقتصادی. این دو مرحله ارتباط ناگسستی با هم دارند. تا زمانی که تسلط و نفوذ امپریالیسم در اقتصاد ملی وجود دارد، تا زمانی که مناسبات نابرابر اقتصادی با کشورهای امپریالیستی وجود دارد، نمیتوان از استقلال واقعی سخن گفت. بدینگونه، پس از کسب آزادی سیاسی، مبارزه ضد امپریالیستی در راه استقلال اقتصادی اهمیت بیشتری کسب میکند. لذا اگر در مرحله نخست انقلاب مسئله مهم دستیابی به استقلال سیاسی مطرح میشود، در مرحله دوم، کسب استقلال اقتصادی در دستور روز مبارزه قرار می‌گیرد.

بدون پایان دادن به سلبه نو استعمار در کلیه شئون اقتصاد ملی، بدون ازمیان برداشتن مواضع گوناگون اقتصادی و اجتماعی که در راه استفاده از منابع ملی، برای رشد همه جانبه اقتصاد ملی به سود اکثریت محروم جامعه یعنی زحمتکشان قرار دارد، آزادی ملی در چارچوب محدودی باقی خواهد ماند.

بنظر ما، نظام اقتصادی مندرج در قانون اساسی، در صورت اجرائی صحیح و یکپارچه معاد

## ۱- بخش دولتی

بخش دولتی خلقی، نقش قاطع و تعیین کننده در پیشرفت اجتماعی اقتصادی دارد. شکست راه رشد سرمایه‌داری در ایران، پار دیگر اهمیت برخوردار به مسئله مالکیت را، بطرز بارزی عیان ساخت. در حل مضامین اساسی اجتماعی- اقتصادی کشور سیاست دولتی کردن بخشی از وسائل تولید، در عین حفظ کمک بتوسعه سریع سرمایه‌داری، نمیتواند شرایط رشد تولید اجتماعی را فراهم آورد و پایه‌های استقلال اقتصادی را تقویت کند، زیرا در چنین صورتی تحکیم سریع موضع دولت در حیات اجتماعی- اقتصادی، بخش دولتی را به نیروی مادی لازم برای تامین روند تجدید تولید سرمایه‌داری تبدیل میکند، که این نیز بنوبه خود شرایط تجدید تولید مناسبات سرمایه‌داری را فراهم می‌آورد. لذا نمیتوان گفت که این خصلت طبقاتی حاکمیت دولتی و ستم‌گیری سیاسی است که هدف بخش دولتی و طریق نیل به آن و در نتیجه ماهیت تجدید تولید را تعیین می‌سازد.

در دوران رژیم شاه مملو، بخش دولتی که تحت قیمومت سرمایه‌داری وابسته قرار داشت، در جهت رشد بخش خصوصی سرمایه‌داری در پشنا و ژرفا عمل نمیکرد، یعنی رشد سرمایه‌داری، وابسته در گشور یاری میداد. بهمین سبب ماهیت اجتماعی و اقتصادی بخش دولتی در گذشته، چیزی جز سرمایه‌داری دولتی ضد خلقی نبود. بخش دولتی خلقی که ما در اینجا مطرح می‌سازیم، با بخش دولتی سرمایه‌داری فرق زیادی دارد. ایجاد و تحکیم بخش دولتی خلقی، در شرایطی که نیروهای راستین انقلابی، منتگس کنندگان آزمان زحمتکشان، حاکمیت سیاسی را بدستدارند، شرط عمده نیل به استقلال سیاسی و اقتصادی واقعی و ایجاد زمینه برای محدود کردن سو در جریان تکاملش - از بین بردن استثمار فرد از فرد است. استقرار چنین مالکیت دولتی بر ابزار و وسائل تولید و ثروت‌های ملی به معنای تقویت دیوانسالاری، که برخیزا دانسته یا ندانسته مطرح می‌سازند، نیست بلکه وسیله عمده تحقق هدفها و دورنمای انقلابی به نفع زحمتکشان است. بهمین سبب ما معتقدیم که بخش دولتی باید تنها نقش سازمان-دهنده را ایفا کند، بلکه در عین حال باید به عامل تعیین کننده رشد اجتماعی - اقتصادی نیز تبدیل گردد.

وظیفه عمده در حال حاضر، غلبه بر واپس ماندگی اقتصادی فعلی و ایجاد اقتصاد با ساختاری موزون و پیشرفته، شکی به استفاده بخردانه از منابع طبیعی و انسانی داخلی است. ما معتقدیم که با ایجاد تحول ژرف و بنیادی در بخش دولتی، با بکار بستن مدیریت و سازماندهی علمی، با افزایش سرمایه‌گذارانی مستقیم دولتی و ادغام ملی کردن صنایع وابسته متعلق به سرمایه‌داران وابسته و بزرگ ملاکان، و از همه مهمتر، با تامین شرکت واقعی، فعال و گسترده زحمتکشان در اداره امور این بخش به وسیله شوراهای تولیدی و خدماتی میتوان، در فاصله زمان کوتاه از دید تاریخی، به اهداف



# پیشنهاد حزب توده ایران برای

## صنایع ذوب فلزات و ماشین سازی

### ۱- برنامه درازمدت

استعداد اقتصادی و صنعتی مجتمع ذوب آهن اصفهان (که ظرفیت آن در حال حاضر به ۲ میلیون تن در سال افزایش مییابد و در مرحله نهائی به ۸-۷ میلیون تن خواهد رسید) میتواند عامل مهم رشد صنعتی گردد. برای استفاده مطلوب از صنایع ذوب آهن، احداث صنایع زیرین ضرور است:

- کارخانه فولاد نورد سرد شده،
- کارخانه آلیاژ آهنی،
- کارخانه ریختهگری چدن - فولاد و آلیاژ فلزات رنگین،
- کارخانه آهنگری،
- کارخانه ماشین کاری قطعات ریختهگری و آهنگری.

بر اساس این صنایع میتوان گروههای گوناگون صنایع ماشین سازی را ایجاد کرد.

**اولین گروه - صنایع ماشین سازی در مرحله نخست قطعات و بدنه های مورد نیاز صنایع موجود ایران را تولید خواهد کرد.** این صنایع عبارتند از: صنایع نساجی، صنایع چرم، صنایع نفت، صنایع شیمیائی، صنایع گاز، صنایع فلزات اساسی، صنایع قند، صنایع الکتریکی و غیره.

**گروه دوم - از صنایع ماشین سازی برای تامین ابزار تولید صنایع فلزی خانگی، پلاستیک، تجهیزات مربوط به بازرگانی، ابزار آلات و غیره استفاده میشود.**

**گروه سوم - صنایع ماشین سازی در خدمت صنایع وسائط نقلیه و ماشین آلات کشاورزی قرار خواهند گرفت.** نیاز مهم ایران به اینگونه محصولات صنعتی سال به سال روبه افزایش است. متأسفانه باید گفت که ایران به نامیشگاهی از انواع اتومبیلها و ماشین آلات کشاورزی تولید نشده در سراسر جهان تبدیل گردیده است. این روند، که ادامه دارد، بیپوشه قابل تحمل نیست. بنظر ما در مراحل کنونی آغاز رشد صنعتی واقعی، تولید یک نوع اتومبیل سواری و سه نوع اتومبیل باری (از لحاظ ظرفیت) و همچنین یک نوع اتوبوس و مینی بوس در ایران میتواند پاسخگوی بخش قابل ملاحظه ای از تقاضای بازار داخلی باشد.

ما معتقدیم که همه این نوع ماشینها را میتوان بطور عمده در داخل کشور تولید کرد. بدین منظور از هم اکنون میتوان صنایع تولید موتور اتومبیل، پمپ، فنر، ضربه گیر و دیگر قطعات را پایه گذاری کرد و مترادف با آن، صنایع ماشین سازی مورد نیاز صنایع اتومبیل را بوجود آورد.

و اما برای ساخت ماشین آلات کشاورزی، که مدلهای آن نیز محدود به شرایط اقلیمی خواهد بود، میتوان از کارخانه تراکتور سازی تبریز، که بیش از ۲۵ میلیارد ریال در آن سرمایه گذاری شده است، استفاده کرد.

**گروه چهارم - عملکرد دیگر صنایع ماشین سازی مربوط به ساخت ابزار دقیق خواهد بود.** نمونه اینگونه صنایع کارخانه سازنده ابزار ماشین در تبریز است. برای تکمیل این کارخانه، ایجاد صنایع تولید قطعات دقیق ماشین ضرور است.

باید خاطر نشان ساخت که گروههای چهارگانه صنایع ماشین سازی نامبرده میتوانند در صورت لزوم ابزار خوشبختانه از لحاظ تکنولوژی مورد نیاز دیگر صنایع را نیز تهیه کنند. وانگهی برخی از ابزار تولید، از قبیل انواع موتور، تلمبه و دیگر مصنوعات ماشین سازی را میتوان در موسسات نسبتاً کوچک صنعتی نیز تولید کرد.

## صنایع شیمیائی و پتروشیمی

درآمد نفت بخشی از ارزش جدید بوجود آمده در کشور است. ولی سالیان دراز نیست که سهم قابل ملاحظه ای از این ارزش، به علت صدور نفت به شکل خام، بخارج از کشور انتقال مییابد. ما برآنیم که سیاست درازمدت دولت باید متوجه تسهیل صادرات نفت خام و استفاده از آن در داخل کشور بشمارد. ماده خام تقذیه کننده صنایع تولید فرآورده های نفتی و پتروشیمی گردد. صنایع پتروشیمی یکی از رشته های عمده صنایع سنگین را تشکیل میدهند و در گذار به سطح عالی رشد صنعتی و اقتصادی نقش قاطع دارند.

از نفت و گاز باید در ایجاد صنایع زیرین بهره برداری شود: **صنایع داروسازی** (برای تولید الکل، نشادر، آسپیرین، مواد معطر، کلروفرم، نورمالین)،

**صنایع ساختمانی** (تولید شیشه ارگانیک، پوشش شیشه ای، تخته های مصنوعی کف اتاق، انواع مشمع فرشی، لوله، مواد عایق، مواد روکش و غیره)،

**صنایع کفشی و چرم سازی** (تولید رنگ و لاک، مواد دباغی، چرم مصنوعی)،

**صنایع شیمیائی** (تولید مواد پلاستیک، الیاف شیمیائی، کائوچوی مصنوعی، انواع رنگها، الکل اتیل، آمونیاک، مواد نسج کننده و حلال)،

**صنایع ریستدگی و بافندگی** (نخ مصنوعی، پوست مصنوعی، مواد شستشو، چسب)،

**صنایع مبل سازی و غیره.**

علاوه بر این، با افزایش ظرفیت صنایع ذوب آهن، امکانات نوینی برای گسترش شیمیایی بوجود می آید. برای نمونه می توان از محصولات فرعی صنایع کک سازی جنب مجتمع ذوب آهن، مانند بنزول و قطران زغال سنگ نامبرد. پوشیده نیست که از قطران زغال سنگ، که حاوی ۳۰۰ نوع ماده آلی است، میتوان صدها نوع محصول (حشره کش، مواد معطر، دارو، روکش آلکسورد، قیر و نفتالین، پشم شیشه و غیره) تولید کرد. بنزول بشماره ماده خام پر ارزش صنایع شیمیائی مورد تقاضای مستمر بازار جهانی است که میتوان در داخل کشور از آن بهره برداری کرد. از تصفیه بنزول سه ماده اولیه بنزول، تولوئن و زایلول بدست می آید، که میتوان از آن در تصفیه روغن موتور استفاده کرد. در عین حال دیگر مشتقات بنزول می توانند در تولید انواع فیبرها، مواد عایق ساختمانی و غیره مورد بهره برداری قرار گیرند. بدین منظور ایجاد و گسترش صنایع پلی استیرین و پلی اتیلن، که مورد نیاز کشور است، ضرور دارد. باید خاطر نشان ساخت که در این صنایع، نفت و گاز نیز بشماره مواد اولیه مورد استفاده قرار میگیرند.

## تولید صنایع برق

برق رسانی یا الکتریکی کردن، یکی از مسائل عمده در شرایط

در این مورد توضیح مختصری ضرور است. درجه رشد اقتصادی هر کشوری در وهله نخست توسط ترکیب صنایع تعیین میشود، زیرا در آخرین تحلیل، این ساختار صنعتی اقتصاد ملی است که میتواند رشد اقتصادی موزون، درازمدت و مداوم را تأمین کند. اینهم فقط از طریق پایه گذاری صنایع سنگین و مجتمع های سرمایه بر و از تلفیق آنها با صنایع کاربر، بپهتو شاخص های کیفی اقتصاد و قبل از همه بهبود کیفی نیروی کار و درجه سازماندهی تولید انبوه کالائی امکان پذیر است.

انتخاب و ایجاد بهترین تناسب ساختار صنعتی روندی بسیار پرنج است. عواملی که در این زمینه میباید در نظر گرفته شود عبارتست از ایجاد تناسب بین انباشت و مصرف، بین آهنک رشد صنایع تولید وسائل تولید (بخش ۱) و صنایع تولید لوازم مصرف (بخش ۲)، تلفیق صنایع سرمایه بر و کاربر با در نظر گرفتن کمیت و کیفیت نیروی انسانی و سن ملی و غیره.

مهمترین عامل مؤثر در ایجاد ساختار موزون صنعتی انتخاب بهترین تناسب بین دو بخش ۱ و ۲ تولید اجتماعی است، کشور ما که در نتیجه خیانت رژیم شاه مخلوع نتوانسته آنگنان که باید صنایع وسائل تولید را رشد دهد، مجبور است در مرحله اولیه، رشد سریع بخش ۱ تولید اجتماعی را تأمین کند. عدم تولید وسائل تولید عمده عامل وابستگی به خارج بشمار میرود. این اصل دوم در کلیه کشورها، بدون استثناء، صادق است و یکی از عوامل عمده وابستگی کنونی صنعتی ایران به جهان سرمایه داری بشمار میرود.

بدون احداث صنایع سنگین و کلیدی، که هم رشته تولید وسائل تولید هم رشته تولید لوازم مصرفی و همچنین دیگر رشته های اقتصادی (کشاورزی، ترابری، ساختمان، ارتباطات) را با وسائل تولید و ابزار کار مجهز میسازد، صنعتی شدن معنی و مفهومی نمیتواند داشته باشد. آنچه امروز در ایران صنعت نامیده میشود، بطور عمده حلقه های جداگانه رشته زنجیری است که باهمدیگر رابطه تولیدی ندارند. به وجود آوردن تعداد کثیری صنایع در هم ریخته و ناسامان و پراکنده و بطور عمده مونتاز معنی صنعتی شدن نمیتواند داشته باشد. صنعتی شدن، یعنی ایجاد مجتمع های تولیدی و فنی کلیدی. اینگونه مجتمعها معمولاً یا از طریق همپیوندی عمودی (اکتشاف، استخراج، تبدیل مواد خام به مواد نیم ساخته و سپس کالای نهائی) و یا از راه هم پیوندی افقی (شرکت رشته های مختلف صنعتی در تولید کالاهای معین) بوجود می آید.

بنظر ما، برای پایان دادن به وابستگی فنی و تکنولوژیکی انحصارهای چند ملیتی، که عملاً رشد صنعتی واقعی و ایجاد تکنولوژی ملی را سد کرده و مسئله صنعتی شدن را تابع امیال شرکت های نامبرده ساخته بود، چاره ای جز پی ریزی صنعتی از طریق ایجاد مجتمع های هم پیوندی های عمودی و افقی نداریم. به ویژه اینکه کشور ما استعداد چنین پیشرفت صنعتی را دارد.

ایران در زمره آن کشورهای نادری است که میتواند با اتکاء به منابع عظیم داخلی این طریق پیشرفت صنعتی شدن را انتخاب کند و با تنظیم برنامه های دقیق و سنجیده به اجرای آن نائل آید. مزیت این صنایع، که تأثیر مهم در بهبود ترکیب کمی و کیفی درآمد ملی و افزایش سریع و مداوم آن دارد، پوشیده نیست. این صنایع در موارد زیرین مؤثر خواهند بود:

- بالا بردن سطح اشتغال،
- جلوگیری از فرار ارز از کشور در آینده،
- کمک به ایجاد تکنولوژی ملی.

اگر بخش قابل ملاحظه ای از ارزش افزوده صنایع مونتاز و یا صنایع متکی بمواد خام و نیم ساخته خارجی بطرق گوناگون بخارج از کشور منتقل میشود، ارزش افزوده صنایع متکی بمواد خام داخلی صد درصد در کشور باقی میماند، که اینهم بنوی خود منجر به انباشت سرمایه و تراکم ابزار تولید در داخل کشور میشود.

برای پایان دادن به هر چه در صنعتی (وجود انواع ماشین آلات و تکنولوژی وارداتی) شرط نخست احداث صنایع تولید وسائل تولید مورد نیاز بازار داخلی است. در این مورد باید به چند سئوالی که مهم اکنون مورد بحث محافل گوناگون است، پاسخ گفت:

۱- آیا ما میتوانیم در فاصله زمان کوتاه از لحاظ تاریخی به خود کفائی در رشته های مهم و حیاتی نائل آئیم؟

ما برآنیم که میتوانیم یا بدین و بپهتو اجرا گذاردن یک برنامه جامع و انتخاب راه مشخص صنعتی شدن، از طریق تعیین اولویتها به این هدف برسیم. این امر تمرکز سرمایه گذاری را در چند رشته صنعتی مهم و حیاتی ایجاد می کند. در انتخاب این رشته ها باید دو عامل عمده در نظر گرفته شود: بهره برداری کامل از منابع موجود داخلی و تأمین بازار داخلی با وسائل تولید مورد نیاز رشته های عمده صنعتی.

۲- آیا ایجاد این صنایع از لحاظ اقتصادی سودآور خواهد بود؟ حرف بر سر آنستکه بر خیابا (چنانکه در نمونه صنایع ذوب آهن مطرح شد) در برخورد به کسب استقلال اقتصادی و پایان دادن به وابستگی، فقط موضوع سودآوری این یا آن مطرح را مطرح میسازند و مسائل اقتصادی و سیاسی را جدا از هم مورد بررسی قرار میدهند. باید گفت که شاید در مواردی وارد کردن ابزار و وسائل تولید از خارج بر مراتب ارزاتر از تولید آنها در داخل باشد. در دوران رژیم شاه مخلوع، با اتکاء به این اصل، از ایجاد صنایع تولید وسائل تولید جلوگیری بعمل می آمد و در موارد عمده ای آن بخش از صنایع کلیدی (مانند کارخانه های ماشین سازی) که هدف از ایجادشان پایه گذاری صنایع تولید وسائل تولید در داخل کشور بود، عملاً به کارگاههای مونتاز تبدیل شدند.

طبق محاسباتی، در مراحل اولیه هزینه تولید ابزار و وسائل تولید در داخل کشور بین ۲۰ تا ۴۰ درصد از ارزش ماشین آلات مشابه وارداتی بیشتر خواهد بود. لذا ما نمیتوانیم در انتظار سودآوری این گونه صنایع در این مرحله باشیم. اصولاً رشته های صنعتی کلیدی، حداقل پس از ۱۵-۱۰ سال به وسرحد بلوغ فنی میرسند، زیرا در این فاصله زمانی است که ما خواهیم توانست تولید وسائل تولید را کلاً، یعنی از آغاز تا انجام، در داخل کشور سازمان دهیم. بهمین سبب بحث بر سر سودآوری این و یا آن رشته مارا به نتیجه مطلوب نخواهد رساند. کسب استقلال اقتصادی خواه ناخواه تحمل پاره ای هزینه های اضافی را در مراحل اولیه رشد صنعتی همراه خواهد داشت.

تجربه دیگر کشورها نشانگر آنست که معضلات نامبرده غیر قابل حل نیست. ما معتقدیم که برنامه درازمدت باید در وهله نخست ایجاد سه گروه از صنایع بنیادی را مد نظر قرار دهد:

- ۱- صنایع ذوب فلزات و ماشین سازی،
- ۲- صنایع شیمیائی و پتروشیمی،
- ۳- صنایع تولید برق.

اگر ایجاد این صنایع بشماره پایه و اساس صنعتی شدن مورد قبول واقع شود، اتخاذ تصمیم درباره میزان تولید و مصرف و انواع دیگر صنایع مرتبط با این صنایع بنیادی آسانتر خواهد بود.

بقیه از صفحه ۴  
با چگونگی ساختار اقتصادی دارد. تئوری رشد اجزاء مرکب اقتصاد ملی را بطریق زیرین تعیین می کند:

- ۱- ترکیب همگانی اقتصاد ملی،
- ۲- ترکیب اقتصاد ملی بر حسب رشته،
- ۳- ترکیب اقتصادی و فنی اقتصاد ملی،
- ۴- ترکیب جغرافیائی (منطقه ای) اقتصاد ملی،
- ۵- ترکیب اقتصادی و اجتماعی اقتصاد ملی،

از لحاظ همگانی یا کلی، ساختار اقتصاد ملی شامل تناسب عرصه های تولیدی و غیر تولیدی، تناسب بین دو بخش تولید اجتماعی (۱- تولید وسائل تولید و ۲- تولید وسائل مصرف)، تناسب بین انباشت و مصرف و غیره میگردد.

ساختار اقتصاد ملی از نظر ترکیب رشته ای، رشته های صنعت، کشاورزی، جنگلداری، ساختمان، ترابری، بازرگانی و غیره را دربر میگیرد. هر یک از این رشته ها هم بنوی خود دارای رشته های فرعی است. مثلاً رشته صنعتی مرکب از صنایع ذوب فلزات، ماشین سازی، صنایع سبک، صنایع تولید نیرو، صنایع معدنی و غیره است. رشته کشاورزی - تولید زراعی و دامپروری و ماهیگیری، رشته ساختمانی - ساختمان موسسات و مسکن و راه سازی و غیره، رشته ارتباطات - تلفن و تلگراف و رادیو و تلویزیون و پست و بالاخره رشته بازرگانی - عمده و خرده فروشی و همچنین بازرگانی خارجی را دربر میگیرد.

ترکیب اقتصادی و فنی مسائل عمده تناسب بین رشته های سرمایه بر و کاربر مسئله اولویت انباشت و کیفیت نیروی کار، درجه رشد انبوه کالائی و غیره را شامل میشود.

رشد متناسب مجموعه این رشته ها، ساختار پیشرفته اقتصاد ملی را بوجود می آورد. ترکیب جغرافیائی اقتصادی معرف میزان رشد نیروهای مولده را در این و یا آن منطقه نشان میدهد و معرف چگونگی تقسیم آنست در سطح کشور.

اما ترکیب اقتصادی و اجتماعی اقتصاد ملی را نهادهای گوناگون موجود در کشور (که طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باید مرکب از بخشهای دولتی، تعاونی و خصوصی باشد) تعیین میکند. از این لحاظ تعیین نقش و مقام هر یک از این نهادها و وابستگی متقابل آنها، ضرورت خاصی کسب میکند، زیرا فقط در این صورت میتوان به ماهیت مناسبات تولیدی و درجه فراگیری آن پی برد.

از آنچه گفته شد میتوان به این نتیجه رسید که، ساختار اقتصاد ملی تأثیر فوق العاده ای در چگونگی روند تجدید تولید کننده و استفاده ثمر بخش از مجموعه منابع مادی دارد، که این نیز بنوی خود معرف ماهیت کمی و کیفی رشد اقتصادی است.

رشد اقتصادی به معنی تجدید تولید فزاینده کل تولید اجتماعی است. نقش و اهمیت رشته های مختلف اقتصادی در ایجاد کل تولید اجتماعی گوناگون است. تجربه به ثبوت رسانده است که افزایش کل تولید بطور عمده با رشد سریع تولید کالا در رشته های صنعتی امکان پذیر است، که این نیز، چنانکه متذکر شدیم، با ساختار اقتصاد ملی بطور اهم و ترکیب رشته ای آن بطور اخص رابطه دارد.

در دوران رژیم پهلوی آهنک فزاینده رشد اقتصادی در درجه اول به حساب افزایش تولید نفت و بویژه بالا رفتن قیمت نفت خام در سالهای اخیر صورت گرفته، که اینهم وابستگی به بازار نفت جهان سرمایه داری را از بین برده و وابستگی عمیق اقتصاد ملی را به یک کالای واحد منتفی از سوی دنیای فراهم آورده است. برای اینکه بتوان به وابستگی اقتصاد از نفت خام پایان داد، باید در ساختار صنعتی و معدنی و کشاورزی دگر سازی ژرف بوجود آورد. و اما این امر فقط از طریق تنوع تولیدات صنعتی و معدنی به منظور رشد سریع صنایع تولید وسائل تولید و ایجاد تناسب بین رشد صنعتی و توسعه کشاورزی و همچنین دیگر رشته های اقتصاد ملی امکان پذیر است.

هدف از تأمین رشد اقتصادی مترقی، ترفیع زندگی مادی از طریق ایجاد کیفیت نوین بپهتو زندگی (مغایر با مدل امریکائی جامعه مصرف) همگام با تأمین شرایط لازم برای رشد معنوی همه جانبه و بروز کامل استعدادها و قریه های انسانی و گسترش مداوم دامنه دموکراسی است. برای رسیدن به این هدف تدابیر زیرین اهمیت دارد:

- تأمین نیازهای مهم برای کلیه افراد جامعه در زمینه های غذا، پوشاک، مسکن، بهداشت، آموزش،

- ایجاد شرایطی که در آن هر فرد قادر به انتخاب شغل مورد علاقه خود گردد و بتواند از حاصل کار خویش بهره مند گردد،

- مسامحت از ایجاد دو قطب متضاد ثروت و فقر در جامعه بوسیله اتخاذ سیاست مالیاتی و استفاده از سایر اهرم های اقتصادی بمنظور جلوگیری انباشت و تمرکز ثروت در دست اقلیت،

- تأمین رشد سریع و مداوم آن بخشهایی از اقتصاد ملی که بتواند طی زمان نیازمندیهای اساسی کشور را برآورده سازد و بدینسان جامعه را بر سرحد خود کفائی نسبی سوق دهد.

- اجرای سیستم برنامه ریزی دقیق و حساب شده و منطبق با امکانات داخلی برای پایان دادن به هر چه در «بازار آزاد» و در جهت ایجاد وحدت مراحل تجدید تولید اجتماعی، یعنی تولید نم مادی، توزیع و مبادله و بالاخره مصرف (شخصی و تولیدی) در فعالیت های اقتصادی و همچنین تأمین رشد هماهنگ و همپیوند رشته های جداگانه اقتصادی و رشد موزون اقتصادی از لحاظ جغرافیائی،

- پیگیری در ایجاد آنگنان ساختار سیاسی و اجتماعی که از تبدیل سرمایه داری به یک نیروی مسلط سیاسی جلوگیری بعمل آورد. گسترش مواضع سیاسی زحمت کشان همگام با تجدید مواضع سیاسی سرمایه داری، بمنظور ایجاد تدریجی رویتای سیاسی مرکب از ائتلاف وسیعی از نیروهای صادق رومین به انقلاب و ذینفع در نو سازی اجتماعی اقتصادی و تقویت مبارزه ضد امپریالیستی،

- اعمال مدیریت علمی در اداره رشته های اقتصادی،

- تأمین پیشرفت همگون شهرها و روستاها با توجه بیشتر به نوسازی روستاها،

- بکار انداختن ابتکار خلاق و انرژی لایزال توده ها از طریق تشویق مادی و معنوی،

- قرار دادن سیستم بانکی در خدمت رشد موزون اقتصاد ملی،

- ایجاد پیوند مستقیم بین ساختار اقتصادی و زیر بنای علمی و فنی،

- خاتمه دادن بشرکت ناپرابر ایران در تقسیم کار بین المللی، از راه پایان دادن به رونق سلطه امپریالیسم در اقتصاد ملی کردن سرمایه های انحصاری خارجی، استقرار مناسبات اقتصادی و فنی بر پایه نظام نوین، یعنی برابری، صرفه متقابل و عدم مداخله در امور داخلی،

- دوری جستن از خط مشی «مقابله یکسان» در سیاست خارجی، بمعنی توجه دقیق به فرق اصولی موجود میان دول امپریالیستی و دول ضد امپریالیستی و گسترش مناسبات همه جانبه با متخدين بالقوه در عرصه بین المللی در مبارزه علیه امپریالیسم و در راه استقلال اقتصادی،

برنامه اقتصادی کشور در کلیه زمینه ها، باید با در نظر گرفتن نکات یادآوری شده در فوق، تنظیم و تدوین گردد.

## برنامه صنعتی

بنظر ما، برنامه صنعتی دولت، در شرایط کنونی، باید دومرحله درازمدت و کوتاه مدت را دربر گیرد.

# حل برخی مسائل مبرم اقتصادی

کنونی بشمار میرود. در زمینه افزایش تولید انرژی برق، برنامه دراز مدت میباید با استفاده از منابع داخلی، بویژه گاز، ساختمان نیروگاه های حرارتی را تسریع و برنامه ریزی شد. ملی احداث نیروگاه های آتمی را که جز وابستگی عمیق به جهان امپریالیستی نتیجه ای نخواهد داشت، ملغی سازد.

چنین است رنوم و اصول کلی سیاست صنعتی مطلوب، که در قالب آن، آنچنان صنایع بنیادی و غیربنیادی بوجود خواهد آمد که پاسخگو و برآورنده نیازهای صنعتی و فرهنگی اجتماعی کشور باشد. رشته های صنایع بنیادی پیشرفته می توانند از طریق همپوندی عمودی در کشور ما ایجاد گردند. در حال حاضر مادم نفت، گاز، مس، سنگ آهن، سرب، روی، کرومیت، منگنز، زغال سنگ و غیره به میزان قابل توجهی در ایران کشف شده است. تردیدی نیست که با گسترش عملیات اکتشافی در سراسر ایران میتوان به منابع جدید شناخته نشده برای تغذیه صنایع دست یافت.

با ایجاد تدریجی این صنایع ما خواهیم توانست، در درازمدت، دگرگونی عمیق در صنعت و ساختار صنعتی و با مال اقتصاد ملی بوجود آوریم و حجم تولید و تنوع کالاها را تابع مصرف و تولید داخلی سازیم.

سیاست صنعتی پیشرفته ای ارتباط مستقیم با یکی از مسائل حیاتی - تامین شرایط تدریجی استثنای تکنولوژیک، یعنی ایجاد تکنولوژی ملی - دارد. بدون ایجاد تکنولوژی ملی، ما نه تنها با مشکلات مداوم و مستمر روبرو خواهیم شد، بلکه برای همیشه واردکننده تکنولوژی و استفاده کننده از پیشرفت فنی کارشناسان خارجی باقی خواهیم ماند، که این نیز خواه ناخواه منجر به تمسک و وابستگی خواهد شد. به همین سبب رنوم و اصول سیاست صنعتی شدن باید چنان پویا و اجرا گذارده شود که تمام یا مسئله حیاتی شناخت تکنولوژیک و مشارکت کارشناسان ایرانی در مطالعات فنی و اقتصادی و طراحی صنایع گردد. برای رسیدن به این هدف باید هر موسسه صنعتی بزرگ را، همگام با روند تولید، به موسسه پژوهشی و فراگیری تکنولوژی وارداتی و همچنین طراحی فنی منظور بی نیازی تدریجی به تکنولوژی مشابه تبدیل کرد. در چنین صورتی، تکنولوژی وارداتی وسیله ای برای ایجاد تکنولوژی ملی خواهد بود. هدف تجارت از وارد کردن عناصر نوین در تکنولوژی وارداتی منطبق با شرایط کشور و ایجاد تکنولوژی ملی. در این مرحله ما خود متوجه این و یا آن تکنولوژی هستیم، ولی امکان آنرا خواهیم داشت که از خرید مادم لیسانس خارجی خودداری کنیم.

ایجاد تکنولوژی ملی با درجه رشد زیربنای علمی و فنی، وجود کادر و نیروی کس راهبر رابطه مستقیم دارد، زیرا این کارشناسان و مهندسان و کارگران ماهر هستند که با استفاده از امکانات زیربنای فنی، تئوری را از مرحله فکر به مرحله طرح و ساخت و تولید میرسانند. لذا برنامه صنعتی شدن الزاما باید با تغییر بنیادی نظام آموزشی مرتبط و تنظیم گردد.

با در نظر گرفتن اینکه ایجاد زیربنای علمی و فنی یکی از وظایف اساسی دولت جمهوری اسلامی بشمار میرود، پیشنهاد میشود: ۱ - دائره های بنام «دائرة بسط علوم و پژوهش» در جنب نخست وزیری تشکیل گردد، که یکی از وظایف آن نظارت بر تشکیل و بسط فعالیت های علمی و پژوهشی کشور خواهد بود.

۲ - این دائره شرایط ضرور تشکیل سازمانی را که بتواند کلیه فعالیت های علمی و پژوهشی را در خود متمرکز سازد، فراهم می آورد. این سازمان بطور مشروط میتواند سازمان دولتی مرکزی فعالیت های علمی و پژوهشی کشور و یا «آکادمی علوم جمهوری اسلامی ایران» نامگذاری شود.

۳ - «آکادمی علوم جمهوری اسلامی ایران» جزء موسسات غیر انتفاعی محسوب و بر اساس بودجه دولتی اداره خواهد شد.

۴ - وظایف «آکادمی علوم جمهوری اسلامی ایران»:

الف - مطالعات لازم جهت تدوین سیاست علمی و پژوهشی کشور با توجه به امکانات و اولویت برنامه های آموزشی، علمی و پژوهشی آینده کشور.

ب - ایجاد تدریجی مراکز بررسی های علمی و فنی، مراکز نوآوری صنعتی در رشته های مختلف علمی و فنی بر حسب نیازمندیها و امکانات کشور.

ج - از آنجا که بدون دستیابی به انبوهی از اطلاعات علمی و فنی نیز، مرحله پژوهش، طراحی، استثنای تکنولوژی و کسب پیشرفت علمی و فنی مقدور نیست، تشکیل موسسه ای در جنب آکادمی علوم برای جمع آوری اطلاعات و مدارک و غیره در رشته های علوم اجتماعی، اقتصادی، فنی و بهداشتی ضرورت دارد.

د - آکادمی علوم موظف به ایجاد سازمان تبلیغات علمی جنبی برای تبلیغ و ترویج توده های آخرین دستاوردهای اختراعات علمی و فنی و تکنولوژیک جهان در سطح دانشگاهها، موسسات علمی و درمیان انبوه زحمتکش از طریق ترتیب کنفرانسها، نمایش فیلمها، توزیع اسلاید و غیره است.

ه - جلب کلیه کارشناسان ایرانی از کلیه نقاط کشور و خارج و ایجاد محیط سالم و خلاق برای آنکه آنها بتوانند همه نیروی خود را صرف پژوهش و نوآوری کنند.

## برنامه درازمدت و صنایع کوچک

در حال حاضر ارزش افزوده تولیدات صنایع کوچک ۳۱ درصد از کل ارزش افزوده بخش صنعتی غیر نفتی را بخود اختصاص میدهد. بطوری که مشاهده میشود، صنایع کوچک هنوز سهم کم و بیش محسوس در عرصه تولید دارند و لذا برنامه درازمدت دولت جمهوری اسلامی نمیتواند این بخش را در نظر نگیرد.

چه عواملی سبب بوجود آمدن این صنایع در کشور میگردد؟ انگیزه تامین زندگی شخصی از طریق سرمایه گذاری در تولید ازسویی و فقدان سرمایه مکنی از سوی دیگر گروه کثیری را به سوی تولید کوچک می راند و هم آنها هستند که بخشی از کالاهای مصرفی جمعیت کم درآمد کشور را، که قادر به خرید اجناس گرانقیمت نیستند، تولید میکنند. از آنجا که کمبود نیروی انسانی ماهر، نارساییهای زیربنایی، پراکندگی شهرها و روستاها و ضعف ارتباط اقتصادی بین آنها، مشکلات تامین مواد اولیه و غیره عرصه فعالیت تولید انبوه کالایی و ایجاد موسسات بزرگ صنعتی را در سراسر کشور محدود میسازد، سادگی و در خیلی موارد بدوی بودن کارگاههای کوچک بزمیت آنها مبدل میشود. به همین علت است که تعداد موسسات کوچک در تولید رو به فزونی گذاشته است.

برنامه درازمدت دولت باید موارد زیرین را در مورد صنایع کوچک مد نظر قرار دهد:

- تشکیل صنایع کوچک خویشاوند (از لحاظ نوع کالا) در تعاونیهای تولیدی،
- ایجاد تعاونیهای تامین مواد خام و کمک دولتی در این زمینه،
- ایجاد تعاونیهای توزیع محصولات کارگاههای کوچک،
- ایجاد تعاونیهای اعتباری،
- ایجاد ارتباط بین صنایع بزرگ و صنایع کوچک؛ صنایع

کوچک در مواردی برآیند هم برخی یکپارچه مورد نیاز صنایع بزرگ را تولید کنند و هم در تولید برخی از ابزار تولید رشته های صنعتی نقش مولتی ایفا کنند.

- تامین صنایع کوچک با وسائل تولید پیشرفته بقصد بهبود کیفیت کالاهای تولیدی در این موسسات،

- تابع ساختن تولید کوچک به برنامه اقتصادی از طریق تعاونیهای تولید و توزیع.

## صنایع دستی

صنایع دستی پدیده ایست روستائی، که اکنون به مقیاس وسیع به شهرها نیز رسوخ یافته است.

هم اکنون تعداد کثیری از صنعتگران و هنرمندان خلقی از ابتراء امرار ماش می کنند. با در نظر گرفتن اینکه صنعت مزبور در عین معرفی هنر و ذوق ایرانی میتواند یکی از اقلام صادراتی سودآور تبدیل گردد، برنامه درازمدت باید رشد همه جانبه آنرا تامین کند. تدابیر دولتی بطور عمده باید موارد زیرین را در برگیرد:

- ایجاد تعاونیها در صنایع دستی و واگذاری اداره امور آنها به خود تولیدکنندگان،
- کمک اعتباری به این گروه از صنایع،
- خریداری محصولات تولید شده،
- پایان دادن به فعالیت دلالان و واسطه ها در این صنایع.

## ۲- برنامه کوتاه مدت صنعتی

براه انداختن چرخهای صنعتی در گرو حل سه مسئله اساسی است: تعیین مدیریت، تامین موسسات با مواد خام، نیم ساخته و قطعات متفصله و یکپارچه مورد نیاز، تامین بازار فروش.

۱ - گام نخست، که تاکنون بدان کم بهاء داده شده، تعیین مدیریت موسسات صنعتی با توجه به کاردانی و پیش فنی و اقتصادی و قابلیت سازماندهی است.

۲- در زمینه تامین مواد اولیه، نیم ساخته و قطعات یدکی اتخاذ تدابیر زیرین ضرور است:

- تجدید نظر در محصول نهائی صنایع ذوب فلزات و بهره برداری از ظرفیتهای کامل واحدهای ریخته گری و آهنگری موجود (در حال حاضر ظرفیت آنها به ۲۰۰ هزار تن میرسد). این صنایع قبل از انقلاب کلا در خدمت مقامه کاران «ساز و بروس» قرار داشت. حال آنکه صنایع مزبور بطور عمده باید برای تغذیه صنایع ماشین سازی بکار گرفته شوند.

- سازمان دادن تولید پاره ای از یکپارچه و قطعات در کارخانه های ماشین سازی موجود دولتی و کارگاه های کوچک.

- تجدید نظر در برنامه های تولیدی موسسات ماشین سازی، بمنظور تولید ماشین آلات مورد احتیاج در حال حاضر و تبدیل کارگاههای مونتاژ جنب کارخانه های ماشین سازی به موسسات ساخت بر اساس لیسانسها و طرحهای سرمایه گذاری شده و با استفاده از ظرفیت کامل صنایع ریخته گری و آهنگری موجود.

- تجهیز کارگاههای مونتاژ با ماشین آلات و ابزارهای ساخت ایران (که اکنون در اختیار ما نباشد) برای تولید قطعات و یکپارچه های صنایع ریسندگی و بافندگی، چیت سازی، چرم سازی، صنایع و تجهیزات وسائل فلزی، که بطور عمده دچار کمبود از مادی هستند.

- تسریع در بازسازی کارخانه تراکتور سازی تبریز، که بیش از ۲۵ میلیارد ریال در سرمایه گذاری بدان اختصاص داده شده و میتواند سالانه ۲۰ هزار تراکتور و ۳۰ هزار موتور تولید کند.

- استفاده از ظرفیت کامل واحدهای تولیدی ملی کردن صنایع متعلق به سرمایه داران وابسته به بخش دولتی امکان تجدید نظر در قراردادهای تحمیلی گذشته را، از طریق استفاده از امکانات کشورهای ضد امپریالیستی جهان فراهم آورده است.

در این زمینه میتوان بویژه از امکانات کشورهای سوسیالیستی و برخی کشورهای «جهان سوم» استفاده کرد. بسیاری از این کشورها میتوانند در مرحله کنونی، هم دربراه انداختن چرخهای صنعتی کشور و هم از نظر بازار فروش، امکانات مناسبی رادراختیار ما بگذارند. باید کوشید که با همکاری این کشورها وابستگی ژرف کنونی را به دول امپریالیستی محدود ساخت.

مهمترین مسئله در حال حاضر، ایجاد همپوندی افقی بین صنایع کشور است. در گذشته، در نتیجه خیانت رژیم شاه مخلوع، صنایع ایجاد شده هریک جداگانه ارتباط با خارج داشتند و کلیه قطعات و یکپارچه های مورد نیاز را بلاواسطه وارد میکردند. با ایجاد ارتباط بین صنایع بخش دولتی و خصوصی، ما خواهیم توانست بخش نسبتا قابل ملاحظه ای از این قطعات را در داخل تولید کنیم.

## برنامه کشاورزی

ساختار تولید کشاورزی تاثیر زیادی در گوناگونی ترکیب اقتصاد ملی دارد و به همین علت یکی از عوامل موثر رشد اقتصادی است. منظور از ساختار تولید کشاورزی ترکیب رشته های آنست که در آمارهای ایران «اجزاء گروه کشاورزی» نامیده میشود.

ساختار تولید کشاورزی که باید در برنامه ریزی کشاورزی مورد توجه قرار گیرد، تابع دو عامل اساسی است:

- عامل طبیعی،
  - عامل اقتصادی و اجتماعی.
- عامل طبیعی، شرایط جوی و زمینی و غیره و عامل اقتصادی - اجتماعی، سیاست ارضی و کشاورزی دولت و همچنین ترکیب مصرف و تولیدات کشاورزی را در بر میگیرد. ایجاد تناسب لازم بین رشته های عمده تولید کشاورزی از طریق استفاده تربیش از زمین موجود و نیروی انسانی امکان پذیر میشود. طبیعی است که در رشد هر رشته ای، عوامل جداگانه دیگری هم موثر است که بطور حتم میباید مورد توجه قرار گیرد. مثلا در تولید زراعی فقط سطح زیر کشت نیست که نقش قاطع ایفا میکند، بلکه مسائلی از قبیل بهره دمی هر هکتار زمین، درجه مکانیزاسیون کشاورزی، مقدار کود مصرفی و غیره نیز اهمیت فراوانی دارد. در دامپروری هم بازه دام و گوشت و شیر، میزان چربی آن، نحوه تغذیه، مکانیزاسیون، اصلاح نژاد، تناسب میان دام شیره و دام گوشتی و دام کوچک و بزرگ و غیره اهمیت دارد.

## ۱- برنامه درازمدت رشد کشاورزی

برنامه درازمدت، که هدف رشد تولید زراعی و دامی و با مال بهبود زندگی روستائیان و تامین مسارف کشاورزی همه اهالی است، باید نکات زیرین را مد نظر قرار دهد:

- افزایش مساحت زمینهای زیر کشت، از طریق زیر کشت گرفتن زمینهای بایر،

- ایجاد تناسب ضرور بین سطح زیر کشت و میزان تولید اجزاء مختلف محصولات زراعی (تولید موادغذائی و محصولات فنی زراعی)،
- استفاده لمر بخش از زمین زیر کشت و نیروی انسانی بقصد افزایش بازدهی تولید گیاهی از هر هکتار،
- ماشینی کردن تولید زراعی،
- استفاده معقول و فزاینده از کود شیمیائی و سموم کشاورزی،
- بهره گیری از روشهای علمی برای افزایش بازده دام و گوشت و شیر از راه گزینش بهترین روش تغذیه و اصلاح نژاد دام،
- ایجاد تناسب میان دام شیرده و دام گوشتی و دام کوچک و بزرگ،
- ایجاد سیستم آبیاری مدرن،
- پایان دادن به غیراقتصادی بودن (از لحاظ زمین زیر کشت) اکثر واحدهای بهره برداری کشاورزی، از طریق گسترش شبکه تعاونی تولید در روستاها،

- ایجاد سیستم قیمت گذاری واحد تولید محصولات کشاورزی،
- ایجاد سازمانهای فروش و مصرف تولید کشاورزی،
- عمران و بازسازی روستاها و ایجاد سیستم ارتباطی بین روستاها،
- کاهش اختلاف عمیق درآمدها بین شهر و روستا،
- تامین آب آشامیدنی، بهداشت، سوخت و برق برای کلیه روستاها،
- ایجاد مدارس، بویژه مدارس حرفه ای بمنظور تبلیغ تربیت کارگران متخصص ماهر و تکنیسین های کشاورزی،
- با سواد کردن توده انبوه دهقانی،
- احداث شبکه وسیع درمانگاهها،
- ساختن مسکن متناسب با شرایط اقلیمی و طبق نقشه با در نظر گرفتن فرهنگ و سن روستائیان هر محل،
- تامین بیمه اجتماعی کشاورزان و بیمه همگانی ناشی از خشکسالی و سیل،

- ایجاد شرکت های تعاونی که تحت اداره مستقیم خود کشاورزان و همکاری آنان بوجود می آیند، با بهره گیری از کمک های همه جانبه دولت و با یکار بستن شیوه های معاصر کشت و زرع و برداشت و دامپروری، که میتواند بعد مطلوب کارائی نا امل آیند. فقط در چنین صورتی تعاونیها قادر خواهند بود تحول عمیق در ساختار کشاورزی بوجود آورند، امکان افزایش کمی و کیفی تولیدات کشاورزی و بالارفتن درآمد ملی و توسعه حجم بازار داخلی و بیرون شرایط زندگی اکثریت مطلق روستائیان را فراهم کنند و نقش مهمی در ایجاد مناسبات تولیدی نوین و مترقی ایفا نمایند.

- ایجاد سدها و استفاده از آب باران، قنات و احیاء آنها، زدن چاههای عمیق و نیمه عمیق و بوجود آوردن مراکز خدمات فنی، موسسات سمپاشی برای مبارزه با آفات نباتی، احداث صنایع در مراکز عمده روستائی، ایجاد کارگاهها، واحدهای بسته بندی گوشت، سردخانه ها، کارگاههای شیرپاستوریزه و لبنیات، واحدهای شستشو و بسته بندی سبزیجات و میوه و سیلو و انبارهای محصولات کشاورزی، موسسات پژوهشی کشاورزی (برای شناسائی بیماریها و آفات محلی و پی کاوی طرق جلوگیری از بروز و شیوع آنها، اصلاح و تکثیر بذر و نباتات از طریق پیوند آنها برای بسته آوردن بذرها و نباتات مقاوم و پرمصرف بر حسب شرایط منطقه ای، اصلاح نژاد دام و طیور بر پایه شناخت نژادهای اصیل و مقاوم کشور، تعیین کاربرد کود، آب، سموم و غیره)، تجدید نظر در نظام آموزشی کشاورزی و ایجاد شبکه وسیع آموزش عالی و فنی و احداث موسسات دیگر (شعب بانک کشاورزی، پست و تلگراف و تلفن و غیره) از جمله مسائلی است که باید مورد توجه برنامه درازمدت باشد.

## ۲- برنامه کوتاه مدت کشاورزی

این برنامه قبل از هر چیز میباید با حل ریشه ای مسئله ارضی، از طریق واگذاری زمین و وسائل کشت به دهقانان کم زمین و بی زمین آغاز گردد، زیرا بدون حل این معضل، پایان دادن بوضع استنک توده های دهقانی و ایجاد تحول بنیادی در ساختار تولید کشاورزی به نفع زحمتکشان ناممکن خواهد بود. بنظر ما علاوه بر حل مسئله ارضی اتخاذ تدابیر عاجل زیرین در کوتاه مدت ضرور است:

- واگذاری بهره برداری از واحدهای مکانیزه بصورت تعاونی یا لیکت دولتی بشکل خودگردانی اداره خواهند شد،
- واگذاری بهره برداری از واحدهای بزرگ باغات و قلمستانها، با حفظ مالکیت دولتی، بصورت تعاونی به دهقانان شاغل در این اراضی،
- اداره امور واحدهای کشت و صنعت در اختیار دولت باقی میماند و بشکل واحد تولیدی کشاورزی دولتی تحت نظر اداره کشاورزی محل اداره میشود،
- تبدیل زمینهای مصادره شده، با نظارت بنیاد مستضعفین، به واحدهای تعاونی خودگردان؛ مالکیت این زمینها از آن دولت و استفاده از آن در اختیار زحمتکشان است،
- الفای کلیه قوانین ضد دهقانی،
- حل مشکل بددی دهقانان تهیدست، از طریق الفاعواسپانی که با بهره زیاد، چه از طرف موسسات اعتباری و چه بوسیله سلف خرها و دلایها و نزول خواران به آنها تحمیل شده است،
- واگذاری اعتبارات برای اجرای برنامه های کنترل شده از طریق شوراهای ده به دهقانان، در عین توجه به نیازهای روزانه آنها،
- تجدید نظر در سازمان وزارت کشاورزی بمنظور تامین مدیریت علمی، نحوه تقسیم بودجه بین اجزاء تولید کشاورزی بر حسب اهمیت؛ تامین نظارت بر کشت و کار روستائیان و ایجاد همکاری نزدیک بین وزارتخانه های که ارتباط مستقیم با اقتصاد کشاورزی دارند،
- کوشش در راه بهره برداری مشترک صاحبان مزارع کوچک به قصد ایجاد شرایط استفاده بهتر از زمینهای زیر کشت، افزایش بهره دمی آنها، تسهیل مراحل کشت و برداشت،
- ایجاد مراکز اجاره، تعمیر و سرویس ماشین آلات و ابزار کشاورزی،
- سازمان دادن توزیع کود و سموم مبارزه با آفات نباتی، تامین روستائیان با بذر مرغوب،
- تامین آب،
- تضمین حداقل قیمت خرید محصولات عمده زراعی،
- احداث راههای فرعی روستائی،
- تشکیل هر چه زودتر شوراهای ده با شرکت فعال دهقانان،
- تجدید نظر در مقررات مرتع داری بسود دامداران.

ما در اینجا دو مورد مشخص صنایع و کشاورزی را، که نقش تعیین کننده در رونق اقتصاد ملی دارد، مورد بررسی قرار دادیم. بدون تردید برنامه درازمدت، دیگر بخشهای اقتصادی و از آن جمله ساختمان و خدمات دیگر رانیز در بر میگیرد.

سرمایه گذاری در زیر ساخت (انفراساختور) مقام ویژه ای در رشد اقتصادی دارد. در این زمینه بخصوص مسائلی چون ساختمان راههای شوسه و اسفالت و راه آهن بین مراکز صنعتی و همچنین مراکز عمده صنعتی و بنادر، احداث راههای شوسه بین شهرها و مراکز روستائی و راههای فرعی بین روستاها نقش بسزائی دارد.

برنامه درازمدت برای اجرای طرحهای جامع رشد شهرها و مشخص ساختن ضوابط ساختمانی در هر منطقه، بقصد جلوگیری از توسعه ناهنجار و بدون نقشه شهرها و در نظر گرفتن امکانات تامین آب و برق و دیگر موسسات شهری، از جمله وظایفی است که ازم اکنون میباید مورد توجه قرار گیرد.



# اخبار کارگری

## شورای کارکنان ارج: ما فقط خائنین به طبقه کارگر را اخراج می کنیم

در جلسه مجمع عمومی کارکنان کارخانه ارج، که روز ۵۸/۹/۲۷، بدعوت شورای کارکنان تشکیل شد، اعضای شورای کارکنان کارخانه ارج پیرامون ضرورت اتحاد عمل برای بازسازی همه شئون اقتصادی کشور و مقابله با سیاست امپریالیسم و نژادپرستی محیط کار از عناصر فاسد ضد انقلابی سخن را دارند.

یکی از اعضای شورا در سخنان خود ابتدا تیردستی مفتوح را تسلیم گفت و سپس درباره لزوم بسیج و همکاری در جهت سازندگی و برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا بیاناتی ایراد کرد.

سپس یکی دیگر از نمایندگان شورای کارکنان، پس از تاکید بر این که در حال حاضر باید همه با هم متحد شوند و بر علیه دشمن مشترک مبارزه کنند، گفت:

«کشورهایی هستند که بعد از جنگ دوم جهانی ویران شدند، ولی با همت کارگران که بدون دریافت مزد کار می کردند، اقتصاد کشورشان را به چنان قدرتی رساندند که اکنون کشورهای زیادی به آن‌ها احتیاج دارند.»

نماینده شورا سپس درباره بازسازی و این که هنوز ساواکی‌ها و عوامل رژیم سابق و سرمایه‌داران وابسته در کارخانه هستند، سخن گفت و اظهار داشت:

«کمیت با کمیت کارخانه از روی استناد و مدارک موجود بررسی‌هایی انجام داده و تمام عناصر فاسد شناسایی شده‌اند و قصد داریم از فردا ۵۸/۹/۲۸ کارخانه را از اینها پاک کنیم.»

کارگران حاضر در جلسه یکصد از این تصمیم استقبال کردند و روز بعد کمیته بازسازی شورا طی اطلاعیه‌ای، که رونوشت آن به انتظامات کارخانه تسلیم شد و در تابلوی اعلانات نصب گردید، اعلام داشت که از ورود ارج سلیبی «قدرت‌الله» به کارخانه جلوگیری خواهد شد.

سلیبی از عوامل کارفرمایان بوده ولی مدت مدیدی که در کارخانه مسئولیت داشته قریب به ۵۰۰ نفر از کارگران را اخراج کرده است. او سرپرست کارگاه‌های چاپ، پاکتی، قلم‌ت‌آلومینیومی و... بود. از دیگر جرم‌های منتسب به وی، دست زدن به اعمال زشت در مقابل دادن مرخصی، اضافه حقوق و... به برخی از کارگران است. ناگفته نماند که بعد سلیبی از بدو تأسیس کارخانه ارج تاکنون در کارخانه کار می‌کرده و دیگر اقوام آن‌ها نیز در همین کارخانه مست‌های دارند.

این نخستین گام در راه پاکسازی با استقبال همه‌جانبه و با خوشحالی کارگران رو برورده. کارگران امیدوارند که اخراج این خائنان به طبقه کارگر ادامه یابد تا امر تولید سروسامان گیرد.

جالب این‌جاست که عناصری شایع کرده‌اند که امپریالیسم با ضابطه تفتیش عقاید کارگران و پرساس‌گرایی‌های فکری آنان انجام می‌شود. ولی یکی از نمایندگان شورا سرب‌ها اظهار داشت که: «برای ما دین و مذهب و اعتقادات هر شخص سرچاهی خودش محترم است. ما کسانی را که به طبقه کارگر خیانت کرده‌اند، اخراج می‌کنیم.»

بدین ترتیب ماهیت شایعه پراکنان، که منافشان با ادامه پاکسازی در خطر می‌افتد، آشکار می‌گردد.

## کارخانه موزائیک سازی یا دخمه قرون وسطایی!

کارخانه موزائیک سازی کیمی فزونی، واقع در خیابان دکتر شریعتی، دارای بیست کارگر است. در این کارخانه حتی قوانین کار دوران طاغوت مه‌اجرا نمی‌شود. محیط کار بسیار غیر بهداشتی و فاقد هر گونه وسایل و تجهیزات ایمنی است. کارگران موزائیک‌ساز نه کفش کار دارند و نه ماسک محافظ. در حالیکه محیط کار پر از گرد و غبار و رطوبتی است. بعضی قسمت‌های کارخانه پر از لجن و ضایعات تولید است و کارفرما هیچ تلاشی نمی‌کند که این فضولات را به خارج از محیط کار انتقال دهد. زیرا تنها مسئله او بهره‌کشی هر چه بی‌رحمانه‌تر از کارگران است.

کارگران از طغیوت آفتاب یکسر تاش، با بؤل معروف، آفتاب به آفتاب کار می‌کنند. آنها روزانه‌الی دو ساعته کار تولید می‌دهند. کارگران از حداقل حقوق تصویب شده برخوردار نیستند. حقوق روزهای تعطیل به‌تعلق نمی‌گیرند. بیمه‌نشدن و اگر مریض شوند نه تنها مریض نمی‌گیرند، بلکه هزینه دواد درمان را شخصاً از حقوق ناچیز مریضی نمی‌گیرند. از مزایای معموله نظیر حق مسکن، خواروبار، حق اولاد و دیگر مزایای قانونی خبری نیست. سودیژه‌ها در کار نیست. کارفرما ملزم است به کارگران یک وعده غذای گرم به‌دولتی زیر بار نمی‌رود.

این ممتنی است از خردوار. از کارفرما که انتظاری جز این نیست‌توان داشت. ولی طبیعی است که کارگران انظام نوپای جمهوری اسلامی ایران انتظار دارند که با برقراری ضوابط انقلابی ناظر به کاروندگی در واحدهای تولیدی و یکپارگی در تحقق این ضوابط، ضد انقلاب‌ها مهار کنند و در بهبود شرایط زندگی زحمتکشان انقلابی بکوشند.

## آیا همه مشکلات باید بدست خودامام بر طرف شود؟

کارگران گروه‌نورد امروز با مشکلات زیادی دست‌بگریبان‌اند و هر روز که می‌گذرد این مشکلات پیچیدگی بیشتری پیدا می‌کنند. کارگران می‌خواهند کار کنند، تولید کنند، اقتصاد ایران را به‌تامل برسانند و به این ترتیب با توطئه‌های امپریالیسم آمریکا بنحیونی مقابله کنند. ولی ندانند کاری‌ها و مسامحه‌ها این امکان را از آنان سلب می‌کنند. در حال حاضر از هفت کارخانه گروه‌نورد، فقط سه کارخانه و آن‌هم بطور نامرتب کار می‌کنند. این وضع ناشی از کمبود مواد اولیه است.

یکبار شورای کارگران یک حساب بانکی به پول‌های دریافتی از فروش اختصاص داد تا امکان تهیه مواد اولیه فراهم شود. ولی متأسفانه مقامات مسئول این حساب‌ها مسترد کردند و همین طریق

# مالکان بزرگ زمینهای وسیع غصبی خود را رها کرده‌اند و به زمینهای ناچیز کشاورزان تجاوز میکنند

ایرج اسفندیاری، مالک روستای همت آباد، از توابع سادات آباد شیراز، به زمینهای اندک ۳۰ تن از کشاورزان این روستا تجاوز کرده است. دهقانان سالها زحمت کشیده‌اند تا این زمین‌ها، که در گذشته به‌سبب موات و غیر قابل کشت و دارای پستی و بلندی و سنگلاخ بوده، آباد کنند.

مالک زمینهای وسیعی در اختیار دارد، بطوریکه حتی با منظورداشتن نصف این زمینها برای آیش ۴۰ کشاورز می‌توانند بر روی آن کار کنند. نامبرده ۱۵ نفر از خوشنشینان را بر طبق اصول «مزارعه» (بسیج یک‌کاری) عملاً به‌سرزدی خود در آورده و مقدار زیادی از زمینهای را بلااستفاده رها نموده است. بگفته دهقانان، قصدی وسایل‌خوانین «انقلابی» که ده یک آن‌ها را که می‌توانستند در زمین خود بکارند، کشت نموده‌اند این است که همچنان احتیاج به خارج‌داشتن باقیم و سایر اربابان آمریکائی این مزدوران همچنان بر سرشان باقی بماند.

بار دیگر معلوم شد که بزرگ‌مالکان با یکبار ضد انقلاب‌ها و جری‌های دودست امپریالیسم هستند. باید بساط بزرگ مالکی برچیده‌شود تا توطئه‌های اینان سرنگردد.

## دهقانان تفرقه افکنی را در هر لباسی محکوم میکنند

روز عاشورا سدها تن از اهالی چند روستای دستان روستا (حله نزدیک بوشهر) در قریه محمدی، در کنار مسجد نوساز آن‌قریه جمع شدند. آنها ضمن راهپیمائی، شعارهای ضد امپریالیستی چون: «آمریکا، آمریکا، دشمن خونخوار ما»، «خمینی، خمینی، رهبر هوشیار ما»، «خمینی می‌زند، کلاهی می‌زند» و «مانند آن سربازان» و در پایان، در قطع نامه ضد امپریالیستی خود هر گونه تفرقه‌افکنی را محکوم ساختند و همبستگی کلیه خلقهای ایران را علیه امپریالیسم جهان‌نورد آمریکا اعلام کردند.

بعد از خواندن قطع نامه، شخصی روحانی نما (بنام سیدعلی شاهروردی) شروع به سخنرانی کرد و به جای آنکه سخن خود را علیه آمریکا متوجه کند، به‌بذگونی از کشورهای سوسیالیستی و حزب‌توده ایران پرداخت. لیکن بلافاصله در میان مردم همه وعده‌های خود را فسخ کرد. زیرا در نظرات مردم پرشور خود تمام نفرت خود را تاراج کرده بودند و انتظار داشتند این شخص نیز به‌تبعیت از سخنان امام که می‌گوید «دشمن اصلی ما آمریکا است»، از جنایات آمریکا سخن گوید، اما او با لحنی تحقیر آمیز گفت:

«چرا گوش نمی‌کنید. چقدر بی‌ادبید! ولی مردم با توجه به موقعیت حساس و احترام به‌روز عاشورا به نظرات ضد آمریکائی خود ادامه دادند و در مورد سخنان توهمین آمیز وی خوشبین داری کردند و بعد از پایان مراسم نیز، با اعلام ناراضائی خود از سخنان وی، متفرق شدند.

اقدامات دیگر کارگران در سروسامان دادن به امر تولید به‌موقیت نیانجامید.

سرانجام قریباً به‌دولت شورای انقلاب کشیده شد. نمایندگان کارگران از شورای انقلاب انتظار دارند که در حل مشکلات آن‌ها اقدامات قاطع و ضروری دنبال کند. وقتی همه این کوشش‌ها بجائی نمی‌رسد، کارگران ناگزیر از روی آوردن به رهبر انقلاب می‌شوند.

نمایندگان کارگران مسائل خود را با امام خمینی در میان گذاشته‌اند و قول مساعد گرفته‌اند و امیدوارند که با این عنایت رهبر انقلاب دیگر موانع پیش‌بینی نشده و کارکنان‌های قلبی به‌وجود نیاید.

کارگران گروه‌نورد امروز از متعقدند که در صورت اجرای دستور امام دیگر نیازی به اقدامات حاد وجود ندارد.

کارگران قریباً خواستار پاکسازی عوامل کارکنان و ضد انقلاب هستند و انتظار دارند با تأمین مواد اولیه کوشش‌های ضد انقلاب را برای متوقف کردن ماشین تولید و ایجاد بحران خشکی کنند و در این زمینه به‌حق چشمه‌کم مقامات مسئول دوخته‌اند.

## حقوق کارگران سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران را کم نکنید!

سال پیش، در دوره سمدار شریف‌امامی خائن، دولت برای مهار کردن جنبش‌های اعتصابی و انقلابی کارکنان ادارات دولتی به‌تشتت‌نامه‌ای را تصویب کرد. در این به‌تشتت‌نامه افزایش دستمزد ماهانه‌ای بمابال ۷۵۰۰ ریال برای کارمندان دولت پیش‌بینی شده بود. در اجرای این به‌تشتت‌نامه پاره‌های سازمان‌های دولتی این مبلغ را به‌حقوق کارگران خود نیز اضافه کردند. از جمله سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران نیز حقوق کارگران و کارکنان خود را افزایش داد. پس از انقلاب، در دوره نخست‌وزیری مهندس بازرگان، دولت جمهوری اسلامی ایران به‌تشتت‌نامه دیگری صادر کرد و طی آن خواستار باز-پس گرفتن اضافه دستمزد‌ها از کارگران شد. در به‌تشتت‌نامه مزبور با اشاره به یک ساله که افزایش حقوق به کارمندان دولت تعلق می‌گیرد و شامل کارگران نمی‌شود، دستور داده شده بود که نسبت به‌بازپس گرفتن مبلغ پرداختی طی چندماه اقدام شود.

این تصمیم دولت موقت مورد اعتراض اتحادیه‌ها کارکنان سازمان گسترش قرار گرفت. اتحادیه‌های نام‌های به‌دولت موقت انقلاب مراتب اعتراض خود را بیان کرد و بدنبال آن دولت موقت طی نامه‌ای به شورای انقلاب تصمیم‌گیری در مورد این مساله را به شورای انقلاب واگذار نمود.

کاهش دستمزد کارگران زحمتکش، که باور سرخست انقلاب بزرگ‌ها بوده و هستند، بخصوص در موقعیت خطیر کنونی، نه تنها کمکی به حل مشکلات موجود نخواهد کرد، بلکه بسامحرو کردن این کارگران از بخشی از دست‌تشتت‌شان، که به‌زحمت کفاف حداقل‌میشد آنان را می‌دهد، خانواده‌های بسیاری را با ناآرامی مضاعف دست به‌گریبان می‌کند و مساله تازه‌ای ایجاد خواهد کرد که ضد انقلاب می‌تواند از آن بهره‌برداری کند. توجه به‌این مساله و در نظر گرفتن منافع این کارگران بوسیله شورای انقلاب یک خواست انقلابی و معقول است.

# اخبار دهقانی

## راه پیمایی کشاورزان «گویم» فارس بر علیه فئودالیسم

سدها تن از کشاورزان «گویم» فارس روز شنبه ۵۸/۸/۲۸ در شهرستان شیراز، به حمایت از طرح انقلابی رضا اسفندیاری در مبارزه با زمین‌داران بزرگ راهپیمائی کردند.

این راهپیمایی از فلکه ستاد شروع شد و در مقابل دادگستری با سخنرانی‌ها و دستور قطعنامه پایان یافت. راهپیمایان در طول راه یکصد شعار می‌دادند:

فئودال نابود است، کشاورز پرور است.

پیمان طاقانی شورا‌های دهقانی

در پایان راه پیمایی یکی از اهالی «گویم» طی سخنانی درمیان چینی‌های شد انقلاب را که با وسائل گوناگون، از جمله متوسل شدن به رشوه سس دروازه‌ها جلوه‌دادن حقایق دارند، محکوم کرد. نظایر کنندگان سببه محل اداره کشاورزی استان فارس رفته و در سالن استانداری اجتماع کردند. در این‌جا تلگرامی برای وزارت کشاورزی، شورای انقلاب، صدا و سیما و جمهوری اسلامی و استاد رضا اسفندیاری ارسال شد. در این تلگرام دهقانان خواستار تقسیم عادلانه زمین شدند و پیشترانی خود را از برنامه انقلابی استاد رضا اسفندیاری اعلام داشتند. در پایان راهپیمائی قطعنامه صادر شد. در این قطعنامه آمده است:

«ما اهالی گویم فارس سال‌های متعددی زیر یوغ خوانین، علم و نوکران آمریکایی و بومی. این جنایت‌کاران زمین‌های زراعتی چهار هزار روستایی را به‌تشتت‌نامه فتنه‌آمیز، قاتل، ضد انقلابی و قاچاقچی معروف، فروختند. مردم ده اجباراً آواره شهرها شدند و زمین‌های آنها را اجسادی خود را چرا کردند. این جنایت‌کاران بر روی ملک‌ها کاخ‌ها ساختند، اراضی را تفکیک کردند و آن‌ها را به افراد غیر محلی فروختند. ولی سرانجام حق پیروز است و باطل ناپود. انقلاب به رهبری امام خمینی ما را از این و طئه نجات داد ما آمریکا را نیز سرچاشی می‌نشانید و در راه توسعه کشاورزی (نظایر آسوده نمی‌نشینیم.»

در پایان قطع‌نامه خواست‌های کشاورزان به شرح زیر اعلام شد:

۱ - ما کشاورزان پیشترانی کامل خود را از طرح انقلابی استاد رضا اسفندیاری اعلام می‌داریم.

۲ - ما اهالی رنج‌دیده «گویم» خواستار دستگیری فحشلی جنبری و عوامل زمین‌خوار هستیم.

۳ - ما می‌خواهیم در راه دفع مشکل‌های آب اقدامات لازم بعمل آید.

۴ - ما پیشترانی خود را از دانشجویان پیرو خط امام اعلام می‌داریم.

۵ - ما خواستار تأسیس بخش‌های برای «گویم» که اکنون دست یافته و به‌سبب شهرت ده‌آمده، می‌باشیم.

# عکس‌های انقلاب را به مردم بدهید

سالگرد انقلاب باشکوه خلق ایران نزدیک است.

«مردم» از اعضاء دوستان و هواداران حزب توده ایران و همه عناصر همین دوست و آزادیخواه خواهشمند است که برای بزرگداشت این روزها، عکس‌هایی را که از حوادث انقلاب، بویژه از ۱۶ دی تا ۲۳ بهمن در اختیار دارند، به دفتر «مردم» برسانند.

## توضیح

در شماره ۱۲۸ «مردم» خبری راجع به بخش‌های انجمن کوردها چاپ شده بود که در آن به اشتباه نام مالک زورگویی منطقه، امیر حسین‌خان فولادوند، درج شده بود. بدینوسیله تذکره‌ای می‌شود که که نام مالک مزبور حسین‌خان فولادوند بوده است.

## نمایشگاه بیاد دکتر تقی ارانی رهبر زحمتکشان ایران

۱۴ بهمن، سالگرد شهادت دکتر تقی ارانی، رهبر زحمتکشان ایران است. بدین مناسبت قرار است نمایشگاهی بیاد این دانشمند انقلابی شهید ترتیب داده شود. از همه کسانی که عکس یا اطلاع‌های درباره زندگی خصوصی و اجتماعی، درباره مبارزه و دست‌گریزی و زندان و شهادت ارانی دارند، خواهشمند است که عکس‌ها و اطلاعات خود را در اختیار دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران قرار دهند. موجب سپاس فراوان خواهد بود.

## نام‌نویسی در حزب توده ایران

کارگران و زحمتکشان هوادار حزب توده ایران که مایلند در حزب ثبت‌نام کنند، ولی در ایام هفته فرصت اینکار ندارند، می‌توانند روزهای جمعه از ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و از ۲ تا ۵ بعد از ظهر به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، واقع در خیابان آذر شمع غربی در دانشگاه تهران، مراجعه کنند. در شهرستانها نیز، دفاتر حزب توده ایران برای نام‌نویسی آماده است.

## منتشر شد:

حزب توده ایران در عرصه سیاست روز (پرسش و پاسخ) نورالدین گیاروری

## رفقای حزبی! هواداران و دوستداران حزب!

اسناد حزبی (اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و...) منتشر شد «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، به‌وسیع‌ترین شکل تکثیر کنید و به‌توده‌های مردم برسانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه میسر انقلابی است.

کلنج بسازید و بزرگ کنیم خان حزب را

رفقای حزبی، هواداران، دوستان حزب و هموطنان!

ما می‌خواهیم همدار شما و به کمک شما جشن چهلین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را در خانه حزب برگزار کنیم. برای خریدن و ساختن خانه حزب به کمک مالی شما نیازمندیم. با کمک خود در این جنبش همبستگی و خلقی شرکت کنید. کمک مالی خود را به نام رنانشلوکی، شماره پانکی ۸۶۸، بانک تهران، شعبه ایران‌تشر شمالی بپردازید.

توجه: (۱) پرداخت پول، با ذکر مشخصات فوق، به تمام شهرهای بانک تهران ممکن است. (۲) از کمک‌کنندگان خواهشمندیم فتوکپی فیش بانکی را به آدرس دبیرخانه کمیته مرکزی: تهران، خیابان آذر، شماره ۶۸ ارسال دارند.

رفیق کارگر نقاشی می‌نویسد: در پاسخ به فراخوان حزب در مورد بنای خانه حزب، یاسادتر بگویم، خانه خود، اعلام می‌دارم که:

«با توجه به اینکه من در کار رنگسازی و کاربرد رنگهای لمانی، نیمه‌پلاستیک، پلاستیک، روغنی نیمه پسران، روغنی براق، مهارت دارم و می‌توانم هزینه تهیه رنگهای فوق را به حداقل برسانم، حاضر به‌تکمیل بین‌ماه‌های خرداد تا پایان با توافق فرزند ۱۶ ساله‌ام، سهم کوچکی را در ساختن خانه حزب، به‌هنه بگیرم.»

## برای شهیدان حزب و جنبش

«مردم» در نظر دارد عکس‌های تمام مبارزانی را که در دوران سلطت ننگین و مغفورخاندان به‌لوی در راه آرمانهای ملی و میهنی و انسانی خود شهادت رسیده‌اند، جمع‌آوری کند.

از همه دوستان و آزادیخواهان تقاضا می‌شود که عکس‌های این مبارزان شهید دارند، به دفتر «مردم» مراجعه کنند. پاسپاس - «مردم» کند.

لیست ساواکی‌ها را منتشر کنید!

# پاکسازی سریع وقاطع کمیته‌هایک وظیفه مبرم انقلابی است

کمیته‌های انقلاب، ارگانهای پرآمده از انقلابند و در طول ۱۱ ماهی که از انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و خلقی ما میگذرد، سهم بسزایی در حفظ انقلاب از توطئه‌های نیروهای ضد انقلاب، دستگیری و مجازات خائبن و جانان داشته‌اند. این واقعیت را کمیته‌ها مرسوم ماهیت خلقی خود بوده‌اند زیرا ترکیب اصلی آنان را همان جوانانی تشکیل میداده‌اند که در روزهای انقلاب سینه بسرگوله‌های دشمن میخاشدند و سرانجام در روزهای بهمن ماه، سلاح بدست پایگاههای دشمن را درهم کوبیدند. درست به همین دلیل هم کمیته‌ها از روز اول انقلاب یکی از آماجهای توطئه‌های امپریالیسم آمریکا بوده‌اند.

کمیته‌های انقلاب دست به تحریکات زدند. آنها با فرستادن عمال خود به درون کمیته‌ها و آلوده ساختن آنها، کوشیدند تا کمیته‌ها را از انجام وظایف اصلی خود منحرف سازند و بجای مبارزه در دام حسوق زحمتکشان و تمقیب و مجازات مجرمین، آنها را به ایجاد تحریکات علیه نیروهای انقلابی و ایجاد تفرقه در میان مردم وادارند. این امر به حیثیت کمیته‌ها و در نتیجه برتری انقلاب در میان مردم لطمه میزند و آنها را نسبت به انقلاب بدبین میساخت.

لازم به تذکر است که هر قدر نفوذ عناصر ضد انقلاب، مزدوران ساراک، عناصر فاسد، سرمایه‌داران و فئودالها در کمیته‌ها بیشتر می‌شود، در نتیجه از محتوی خلقی و انقلابی کمیته‌ها می‌کاست، نیروهای صادق و مردمی درون خود کمیته‌ها نیز بواسطه عدم رسیدگی جدی مسئولان به کمیته‌ها و فسادگسترده در برخی کمیته‌ها، با دلسردی و سرخوردگی، خود را به کنار میکشند و به نتیجه از محتوی انقلابی این گونه کمیته‌ها بیش از پیش کاسته میگردند.

متأسفانه علیرغم هشدارهای مکرر نیروهای انقلابی، از جمله حزب توده ایران، و نیز تأکیدات رهبری انقلاب بر لزوم پاکسازی و تصفیه کمیته‌های انقلاب، این امر حیاتی به کندی

سورت پذیرفت و صورت می‌پذیرد، تاجایی که در برخی قاطع، چون اصفهان، تلاش‌های انقلاب برای آلودن کمیته‌ها، نتایج تأسفانگیز خود را به بار آورد و بناچار اعتراض همگانی مردم را برانگیخت.

در اصفهان، کمیته‌های این شهر از روز نخست با نفوذ سراسری عناصر ضد انقلابی مواجه شدند، بطوریکه پس از مدتی غالب کمیته‌های این شهر از دزدان، مفسدين، عناصر ساراک و ضد انقلاب اشباع گردیدند و خشم بحق مردم را برانگیختند. طبق افشاگری دانشجویان پیر و خط‌امام، حتی کمیته مرکزی این شهر، جمشید ایسران بود، جاسوس دسپا، را، با علم به مجرم بودن او، به استخدام در آورده بوده است.

اعتراض مردم تا آنجا بالا گرفت که کمیته‌ها به بی‌اثری و کارشکنی مستقیم اقدامات انقلابی حجت الاسلام امید، که در مجازات جنایتکاران از جمله حبیب اشراقی، مدیر عامل شیرخورشید سرخ اصفهان و میر اشراقی، جنایتکار و سرمایه‌دار غارتگر این شهر، قسطنطین انقلابی شایان تحسینی از خود نشان داده بود، پرداختند و حتی چند تن از مجرمین احکام دادگاه انقلاب را خودسرانه دستگیر کردند.

دستهای مرموز دیگری نیز، که طبق گفته

حجت الاسلام امید در رأس عالیترین ارکان انقلابی کشور قرار دارند، بجای پشتیبانی از خواست توده‌های انقلابی مردم اصفهان و دادگاه انقلاب اسلامی این شهر، پس از اعدام بجای میر اشراقی، حجت الاسلام امید را از کار برکنار نمودند.

این اقدام ضد مردمی، بلافاصله با امواج خروشان پشتیبانی مردم اصفهان از حجت الاسلام امید و خواست انحلال کمیته‌های انقلاب اصفهان، که در واقع لانه ضد انقلاب گشته‌اند، مواجه شد و اعضای دادگاه انقلاب اسلامی و دادسرای انقلاب اسلامی همراه با نمایندگان دهها نهاد انقلابی اصفهان، در استناداری اصفهان تحسین اختیار کردند و خواستار بازگشت حجت الاسلام امید و انحلال کمیته‌های این شهر شدند. حجت الاسلام امید در مصاحبه‌ای تأکید کرد که امام نیز با انحلال کمیته‌ها موافقت.

راه بی‌بیمایی‌های پر شور و مکرر مردم اصفهان در روزهای ۲۲ و ۲۶ آذر ماه، و سپس در روز ۵ دی ماه، بیانگر پشتیبانی قاطع مردم از اقدامات مردمی دادگاه انقلاب و تأکید مسرانه آنان به انحلال کمیته‌های آلوده اصفهان است.

در اوائل دیماه، اعضای شورای کمیته لجان اصفهان نیز با اعتراض به آلودگی شدید

کمیته مرکزی اصفهان، انحلال کمیته خود را در نامه‌ای به آیت الله مهدوی کنی اعلام داشتند و خواستار شدند و قبل از آنکه پرسش‌های انقلاب اسلامی و مقام بزرگ رهبری لوت گردد، اقدام به انحلال کمیته‌های کدائی اصفهان، به عمل آید. طبیعی است که هر چه زودتر باید به این خواست منطقی توده‌های مردم اصفهان پاسخ داده شود و همانگونه که آیت الله کنی نیز خود تأیید کرده‌اند، پارسیدگی جدی و فوری به وضع کمیته‌های اصفهان، نسبت به تصفیه کامل وقاطع و در صورت لزوم انحلال آنها اقدام بعمل آید و حجت الاسلام امید به کار خود بازگردد.

اما طبیعی است که انحلال کمیته‌های اصفهان نمیتواند، به مفهوم نفی وظایف عظیم کمیته‌های انقلاب و ضرورت حیاتی وجود فعالیت آنان باشد بدینجهت لازمست به موازات اقدام تصفیه سراسر کمیته‌های انقلاب از عناصر ناسالم و مشکوک و در صورت لزوم انحلال کمیته‌های بدست آلوده، در جهت ایجاد کمیته‌های واقعا انقلابی و واقعا خلقی نیز اقدام بعمل آید و کمیت و کیفیت کمیته‌های انقلاب، متناسب با وظایف انقلاب و نیازهای مناطق تنظیم و تعیین گردد.

تصفیه جدی کمیته‌های انقلاب، باید هر چه زودتر عملی گردد و با پاکسازی کمیته‌ها، هم این ارگانهای انقلاب در خدمت انقلاب عظیم مردم ایران قرار گیرند و هم از تحریکاتی که در شرایط فعلی بی‌فایده به زیان انقلاب و رهبری انقلاب است، ممانعت بعمل آید.

## در مطبوعات کشور

### تقاضای دانشجویان مسلمان دانشگاه ملی: محاکمه علنی امیر انتظام

انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه ملی طی اطلاعیه‌ای خواستار محاکمه علنی امیر انتظام و همکارانش در جهت کشف روابط و شبکه‌های سیا و ساواک شد. در این اطلاعیه آمده است: افشای روابط امیر انتظام ماول نخست وزیر و سخنگوی اولین دولت بعد از انقلاب خونین خلق با آمریکا و سیاد بر بن خود با نگر جریانی است هدایت شده از طرف آمریکا که هدفی جز به انحراف کشاندن انقلاب و تسلط محدود امپریالیسم در شکلی دیگر در بر نداشته است. جریانی که از طریق حاکمیت و نفوذ ارتجاع و امپریالیسم این جاده‌ساف کتان واقعی امپریالیسم چندگامی نیز به پیش برداشت، آری امیر انتظام سبیل و تجلی عینی این جریان و پیشرفت زهر- آگین آن در بدن انقلاب خلق میباشد چرا که بی‌شک نه اولین نفر و نه آخرین نفر از این سلسله زنجیر انارت‌زا خواهد بود.

در پایان اطلاعیه گفته شده است: بآوردیکی به خلق قهرمانان که از هر اکنون سرور دهائی و بی‌وزی در ایسلامت و استوار سردار است نویدی دمیم که سبیل خروشان ضد امپریالیستی آنها تمامی زانو سفت‌های سیا و سرمایه‌داری وابسته و سازشکاران لیبرالسم و ارتجاعیون فرست طلب چون کف به کناری خواهد زد.

(اطلاعات، ۱۰ دی)

به فرمان امام: سراسر ایران را مبارزه میکنیم

بی‌سوادی در جهان بیداد میکند. اگر طی قرن‌ها که جهان سوم در برابر نفوذ استعمارگران خم شده است ناشی از بی‌سوادی ملت‌هاست و در این رهگذر بود که استعمارگران - این غارتگران ضد بشری سده‌های پیش‌بای ملت‌های تحت‌تسلط ایجاد می‌کردند تا آنان را در ورطه ناآگاهی نگهدارند. هم‌اکنون است که رزمه سودان در کشورهای جهان سوم (آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا) به مراتب بیشتر از بی‌سوادی و دواقره آمریکا و اروپاست، بگونه‌ای که هیچ‌گاه نمیتوان قیاسی کرد. دیربست که

## افشای آن فرایندی که امیر انتظام‌ها را به پست معاونت و صدارت می‌رساند، مهم است

این فرآیندها با واقعات پیچیده روانشناختی و جسم‌شناختی ازبکسو و نقش‌های پیچیده امپریالیستی از سوی دیگر رو بر وجهتیم. در همان نگاه اول بائی این افشاکسری، به برانگیخته شدن این احساس در میان خلق است که چگونه از جوجه گذاشتن و تکثیر چهره‌های نظیر امیر انتظام و نزیسه و نیز برای جلوگیری از گسترش این فرآیند تباہ کننده، باید جلوگیری کنند و خلق را برای راحل افشاگری و بازم افشاگری را پیشنهاد می‌کنند.

(از مقاله جمهوری اسلامی، ۱۰ دی)

کرچه مهم است که بدانیم آقای امیر انتظام جاسوس مستقیم آمریکا سپا بوده است و یا نه و چرا و چگونه آقای مهندس بازرگان که در مسلمان نشان شکی نیست از ایشان در گذشته دفاع کرده‌اند و هنوز می‌کنند، ولسی از اینها مهتر آنستکه خلق دریابند آن فرایندی که امیر انتظام‌ها را به پست معاونت و صدارت میرساند، و جریان فکری ایشان را حاکم بر جو انقلابی ایران می‌نماید در جهت سدرشد و شکوفائی این انقلاب بکار می‌اندازد، دارای چه مشخصات و اجزائی است. این فرآیند در تمامیت خود از کس نامین آشتخورد سیراب می‌گردد. طبیعی است در توضیح



اطلاعات - اول دیماه ۱۳۵۸

## اگر آمریکا احساس میکرد که شوروی در کمین او نیست هیچگاه اینقدر انتظار نمی‌کشید!

اتحاد شوروی با فالت‌های آمریکا که همدس برقراری مجدد فساد بر کلوی ایسران می‌ساختد مخالف است. محافل سیاسی ایران می‌گویند چنانچه آمریکا احساس میکرد که شوروی در کمین او نیست، هیچگاه اینقدر انتظار نمی‌کشید. آمریکا موقیت سابق خود که شوروی سال ۱۹۷۹، ۱۰ سوی شوروی خلیج خشک‌ها در سال ۱۹۶۲ و هنگام محاصره کوبا است.

امروز، تاریخ بازم تکرار میشود، ولی بصورت معکوس، خلق‌های تحت‌تسلط جهان در یافته‌اند که باید ضمن تسلیم خود به سلاح برای رویارویی با استعمارگران به سلاح فکری نیز مجهز باشند. آنان دریافته‌اند که با سلاح تفکر و تعقل نیز می‌باید به جنگ تباها، ظلمت و کسویه‌نگری‌ها رفت و حق خود را از ظلمت بازستانند. براه نیست اگر بگویم جهل است که

## حمایت دولت انقلابی افغانستان از انقلاب ضد امپریالیستی ایران

کرمل حمایت خود را از موضع ناسوئالیستی، اسلامی، ضد اختلافات افغانستان با رهبران پاکستان و توسعه و تقویت روابط با هند و دوستی عادی با چین شد.

کرمل همچنین گفت که دولت جدید، سوسیالیسم را هدف فوری خود نمی‌داند، اما مایل است که مبنای ترقی سیاسی و اجتماعی افغانستان را محکم کند.

او گفت که دولت او علیه فقر، بیماری و عقب‌ماندگی مبارزه میکند و مایل است که یک اقتصاد مستقل و صنعتی را در این کشور برقرار کند.

کرمل گفت که سیاست خارجی افغانستان مبتنی بر اصول بی‌طرفی مثبت و فعال همزیستی مسالمت آمیز و صلح و تشنج‌زدایی، خلق سلاح عمومی و مبارزه آزادی بخش ملی خلق‌های مودظلم استوار است. در همین احوال دولت کرمل دیروز غنوعومی زندانیان سیاسی را اعلام کرد و ۸۰۰ زندانی سیاسی، از جمله عده کثیری از افسران که در دوران زمامداری حفیظ‌الله امین زندانی شده بودند آزاد شدند.

## سپاه پاسداران انقلاب اسلامی رفسنجان: زمین متعلق به کسی است که با کار خویش آنرا آباد و بارور کرده

انقلاب اسلامی ایران امید حرمان کشیدگان و مستضعفین است، چرا که تجلی ارزشهای والای انسانی و حاکمیت اداره خویش را بر سر نوشت و عمره کار خود در تحقق آرمانهای این انقلاب دیده‌اند توده‌های محرومی که هم‌حیثیت انسانیشان در نظام پوسیده شاهنشاهی پایمال مناسبات و روابط ضد اسلامی مبتنی بر بهره‌کشی و استثمار سرمایه‌داران و فئودالها بود اکنون انقلاب اسلامی راحامی خویش یافته‌اند و بدان دل بسته‌اند.

اقدامات و برنامهای استاد رضا اصفهانی در زمینه تغییر مناسبات ارشی و سلب مالکیت از مملکین بزرگ و فئودالها به نفع کشاورزان و دهقانان یعنی مالکین اصلی زمین که گامی است در جهت تحقق وعیثیت بخشیدن به آمال مستضعفین و ارزشهای اسلامی، مورد حمایت و تأیید کامل ما بوده و بدینوسیله آمادگی خویش را برای اجرای طرحها و برنامه‌های انقلابی وزارت کشاورزی اعلام نموده و نیز آمادہ بر خورد قاطع با سرمایه‌داران و فئودالها که ایادی و مرمه‌های امپریالیسم می‌باشد، هستیم و به مسلمانان متعهد و انقلابی در مورد استثنای کارگران زاولوسفی که در مخالفت با برنامه‌های انقلابی استاد رضا اصفهانی گاه مناقضانه ماسک مذهب به چهره می‌زدند، هشدار میدهیم.

(کپهان، ۱۰ دی)

## کارگران و زحمت کشان اهواز خواستار اقدامات قاطع انقلابی هستند

اهواز - خیرگزاری پارس - کارکنان شرکتهای ساختمانی ماناست تهران جنوب و قاستر ویلر بیمه‌انکارپهیا مجتمع فولاد اهواز در تائید اقدام شجاعانه دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در محاکمه نمودن کروگانها و همیستکی با کارگران اتحادیه گسترش صنایع ایران پیش از ظهر روز چهارشنبه در اهواز دست برآمعیالی زدند.

- در قطع نامه رامیامان آمده است:
- ۱- ما کارکنان شرکت مانا و ماشین سازی پارس و تهران جنوب از این نقطه خوزستان ایران و جهان بشمام جهان‌خواهران و یادی- شان هشدار میدهیم که ما فرزند نجیب و آماده شهادت در برابر آنها تا آخرین قطره خون.
  - ۲- ما خواستار قطع تمام وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی و غیره از امپریالیسم جهان‌خوار بخصوص امپریالیسم است.
  - ۳- ما خواستار محاکمه هر چه سرپیشتر جاسوسان امریکائی مستقر در لانه جاسوسی امریکا برای افشا شدن جنایات امریکا و نوکر سرسپرده اش شاه هستیم.
  - ۴- ما خواستار افتاء و الفاء کلیه قراردادهای تنکین بویژه قراردادهای نفتی هستیم.
  - ۵- تبدیل کلیه لانه‌های جاسوسی امریکا و امپریالیسم جهانی به موزه‌های جنایات امپریالیسم و موزه شهادت انقلاب.
  - ۶- تقویت دهقانان و کارگران از نظر امکانات برای پیشبرد کشاورزی و صنعت ایران بمنظور بی‌نیاز شدن مملکت از کشورهای استثمارگر.
  - ۷- مصادره و ملی نمودن کلیه سرمایه امپریالیستی امریکا بنفع مستضعفین.
  - ۸- ما کارگران از دولت میخواهیم صنایع ملی شده‌ایکه متعلق بسرمایه‌داران وابسته فراری از کشور هستند مسئولیت تولید و گسترش صنایع را مستقیما زیر نظر کارگران از طریق شوراها اعاده نموده و امکانات لازم را در این زمینه میانمایند.
  - ۹- تا محو هر گونه بهره‌گیری فرد از فرد ما زحمتکشان بیمارارزات خود ادامه خواهیم داد تا در بنام وحدت و همیستکی هر چه بیشتر مردم غیور و مبارز ایران به پیروزی نهائی برسیم.
- (جمهوری اسلامی، ۸ دی)

## با تکیاء به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین



